

# رنجبر

فروردین ۱۳۹۸ - شماره ۱۶۷ ویژه  
سال ۴۰

ارگان مرکزی حزب رنجبران ایران  
دوره چهارم

پیام رفقای ایران ..... صفحه ۷	اطلاعیه حزب به مناسبت پیام ها ..... صفحه ۸
پیام های رفقا و دوستان ..... صفحه ۸	شعری به یاد رفیق ..... صفحه ۸
پیام رفقای افغانستان ..... صفحه ۷	سخنان محسن رضوانی ..... صفحه ۱۴
پیام ایکور ..... صفحه ۶	پیام همسر رفیق علی صادقی ..... صفحه ۱۴
گزارشی از مراسم یادمان هامبورگ ..... صفحه ۱۵	

## اطلاعیه شماره ۱ رفیق علی صادقی درگذشت

به اطلاع عموم میرسانیم که ساعتی بیش رفیق علی صادقی (ک ابراهیم) دبیر اول حزب رنجبران ایران درگذشت. این ضایعه بزرگ را به خانواده او بویژه همسر و دختر ایشان که تا آخرین دقایق در کنار وی بودند و همچنین به کلیه رهروان جنبش کمونیستی تسلیت می گوئیم.

حزب رنجبران ایران  
۹ اسفند ۱۳۹۸



## پیام احزاب و سازمان ها

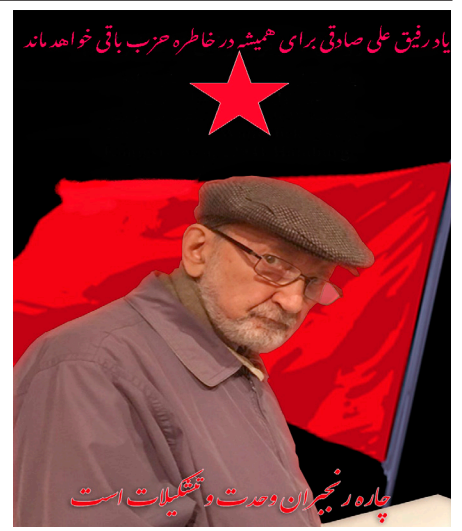
به مناسبت درگذشت رفیق علی صادقی ((کاک ابراهیم)) با کمال تأسف اطلاع یافتیم رفیق علی صادقی (کاک ابراهیم)، دبیر اول حزب رنجبران ایران، روز گذشته پنجشنبه نهم اسفندماه برابر با ۲۸ فوریه درگذشت. حزب کار ایران (توفان) درگذشت دکتر علی صادقی، دبیر اول حزب را به خانواده و رفقا و یارانش صمیمانه تسلیت عرض می‌کند و برایشان صبر و پایداری آرزومند است  
یادش گرامی باد  
(حزب کار ایران) (توفان)  
جمعه دهم اسفند ۱۳۹۷



بقیه در صفحه پنجم

## اطلاعیه شماره ۲ حزب رنجبران ایران

رفیق علی صادقی در روز پنجشنبه نهم اسفند نود هفت شمسی برابر با بیست و هشتم فوریه دوهزار نوزده میلادی در سن هشتاد و یک سالگی پس از چندین ماه در جدالی سخت با بیماری در گذشت. یادش را بس گرامی میداریم و از او می آموزیم. مرگ او برای جنبش کمونیستی و کارگری، برای حزب رنجبران ایران، رفقا، دوستان و خانواده اش بسیار سنگین و درد آراست. مرگ او چون کوه دماوند سنگین است. رفیق علی صادقی در چکنه، روستایی در استان خراسان در سال هزار و سیصد شانزده در خانواده ای فرهنگی زاده شد. بقیه در صفحه دوم ویس از طم مسافتی



## سخنان ظاهر پرتوی در مراسم یادبود در هامبورگ

و تفکر همراه بود. کاک ابراهیم از آن دسته از رهبران جنبش کمونیستی در ایران بود که نه تنها اندیشه‌ای برابر بلکه همچنین زندگی‌ای پر حادثه در مبارزه طبقاتی داشت. او در بسیاری از زمینه ها سمبل و نماینده کمونیستی پیگیر و استوار در راستای تلاش جنبش کمونیستی و حزب رنجبران برای جمع بندی از گذشته و تلاش برای تغییر دنیای ستمگر و استثمارگر سرمایه داری و ایجاد جامعه سوسیالیستی بود. ما یاد انسانی شرافتمند و متعهدی را گرامی میداریم که تا آخرین لحظات زندگی قلبش مهربانش برای آزادی طبقه کارگر و زحمتکشان و علیه بی عدالتی و بی حقوق انسان‌های مولد می‌طپید. یاد او برای همیشه در خاطر کمونیست های ایران و حزب رنجبران گرامی باد  
او فعالیت سیاسی را از ۱۲ سالگی در سازمان جوانان حزب توده شروع کرد. بعد از گرفتن دیپلم به خارج از بقیه در صفحه دوم

رفیق علی صادقی کمونیستی پر تحول در اندیشه قبل از همه درگذشت رفیق علی صادقی (کاک ابراهیم) چهره شناخته شده و یکی از رهبران حزب ما و جنبش کمونیستی ایران را به خانواده رفیق، یاران و همزمان و دوستانش تسلیت می گوئیم او در نهم مارس ۲۰۱۹ در بیمارستانی در سوئد درگذشت  
صحبت از کاک ابراهیم برای من کاریست سخت زیرا که او در مبارزه طولانی جزئی لاینفک زندگی سیاسی-تشکیلاتی حزب رنجبران ایران گشته بود. او کمونیستی بود با ویژه گی های برجسته. کارها و عملکرد های او آنچنان گوناگون و گسترده بود که در این محدوده نمی توان همه آنها را توضیح داد ویژگی های شخصی او بارز بود؛ وقت شناسی، تغذیه کاملاً ساده و محدود، ورزش و بعدها نرمش هر روزه، مطالعه و کار شبانه روزی، انضباط، او به مفهوم واقعی یک آموزگار و مربی سیاسی بود. برخورد هایش همیشه با نکته‌ای قابل تعمق

# چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!



سخنان طاهر پارتوی ... بقیه در صفحه اول

کشور رفت و در مبارزه دوخط در جنبش بین الملل کمونیستی بین چین و شوروی، علیه نظرات رویزیونیستی حزب کمونیست شوروی موضع گرفت و در زمانی که سازمان انقلابی تشکیل شد یکی از بنیان گذاران آن بود. بعدها تا مقطع تشکیل حزب رنجبران در تمامی کنفرانس‌های سازمان حضوری فعالین داشت. او در برنامه های سازمان انقلابی جهت مبارزه و پرورش کادرهای سیاسی - نظامی فعالانه شرکت داشت. او به چین و کوبا رفت و با کوله باری پر از تجربه. وقتی جنبش کردستان مجدداً سر برآورد، به کردستان عراق رفت تا در پیوند با این جنبش با رهبران سلیمان معینی و ملا آواره و شریف راده به گفتگو بنشیند. در آنجا بود که او را کاک ابراهیم نامیدند، نامی که در جنبش سیاسی با آن شناخته می شد. کاک ابراهیم در جنبش کردستان در روزنامه رزگاری (رهایی) که روزنامه ای چپ بود قلم می زد. او بعد از شکست جنبش تازه سر برآورده کردستان و کشته شدن رهبران آن به خارج بازگشت. او مخفیانه راهی ایران شد تا کنفرانس سازمان انقلابی را با رفقای داخل برگزار کنند. در این سفر در مرز ایران و افغانستان دستگیر شد. جانینان رژیم پهلوی او را ۲۶ ماه در انفرادی به بند کشیدند و شکنجه کردند. اما توانستند اراده او را در دفاع از تشکیلات، و حفظ رفقای در هم شکنند. او همراه با دیگر زندانیان سیاسی در مقطع انقلاب آزاد شد.

بعد از تشکیل حزب رنجبران با اینکه با بعضی از نظرات کنگره اول موافق نبود، به عضویت دفتر سیاسی انتخاب گردید و بعد از شروع سرکوب ها به کردستان رفت.

اولین بار رفیق ابراهیم در رشت و سپس در سخنرانی پارک شهر تهران که حزب الهی ها آنرا بهم ریختند در کار علنی دیده شد. بخشی از یک گزارش حزبی «در یکی از روزهای خرداد ۶۰ ناشی از عدم اجرای دقیق مخفی کاری، رفیق ابراهیم را با بهرام راد در اتاقی دیدم. رفیق متوجه اشکال قضیه شده بود. تا من سلام کردم گفت رفیق غذا خورده‌ای؟ در جواب که تردید کردم، گفت اگر غذا نخورده‌ای، اینجا غذا هست. سعی کن گرسنه نمانی. چون معلوم نیست یک ساعت بعد چه اتفاقی خواهد افتاد. رفیق! باید آماده باشی.»

او به زندگی رفقای توجیه بسیار داشت و سعی می کرد در حد توان مشکلات آنها را حل کند. او بارها درد دل رفقا را گوش می کرد و در حد توان فکری اش آنها را ره می نمود.

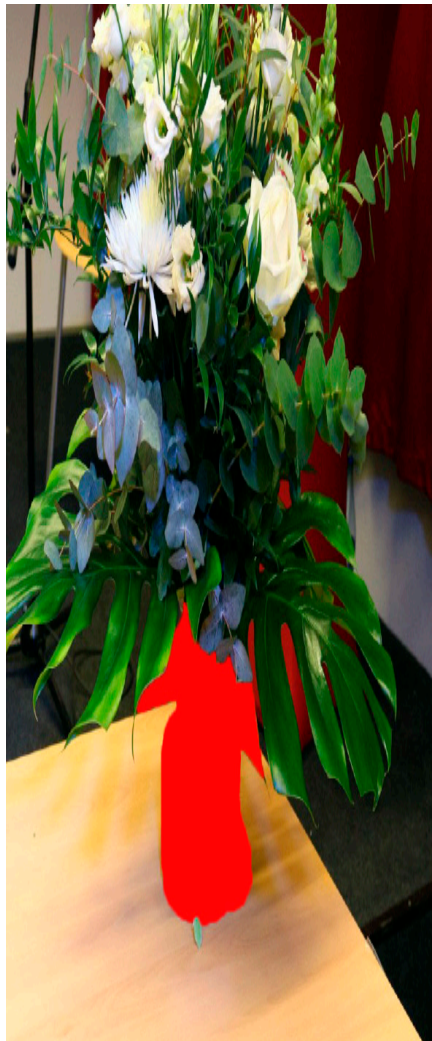
در کردستان نیز که کار سیاسی

خروش چقی را دنبال می کند با رفقای قیام کننده علیه رهبری حزب همراه می شود و تا آخر عمر همچنان برای ایجاد حزب کمونیست انقلابی ایران بر اساس اصول و برنامه کمونیسم علمی و در پیوند فشرده با کارگران مبارزه می کند. آرزویی که همچنان امروز با خود همراه داشت. آرزوی وحدت کمونیست ها، یکی شدن آنها در حزبی یکپارچه و متحد برای رسیدن به سوسیالیسم

حزب رنجبران ایران دبیری کاردان، خدمتگزاری پیگیر را دیگر در میان خود ندارد. رفتنش دردی است همگانی برای جنبش کمونیستی ایران و جهان.

کمیتة مرکزی حزب رنجبران ایران

۱۲ اسفند ۱۳۹۷



طولانی امروز به خاطر وجود دیکتاتوری سیاه رژیم سرمایه داری حاکم در ایران که ده ها رفیق او را در این چهل سال کشت و زندانی و در بدر کرد، در سوئد چشم از جهان فروبست.

او در جستجوی حقیقت و علم از ده به شهر از زبان مادری ترکی به زبان فارسی، از فارسی به فرانسوی، بعد ها کردی، انگلیسی و سوئدی سخن گفت و نوشت.

توانست در مسیر به جلو و آموزش و نوسازی خود، مدرسه و دانشگاه را با کوشش زیاد و نتیجه ای پر بار تا رتبه دکترا در فیزیک هسته ای طی کند و به چنان آگاهی دست یابد که وظیفه خود را دیگر نه تفسیر بلکه تغییر جهان بداند، توده ها را سازندگان تاریخ باز شناسد و خدعه گران تاریخ را که تاجحال خدا و شیخ و شاهان را خالقان می نامیدند افشاء نماید. او با چنین آگاهی شعار همیشگی ای را پیشه کرد: «چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است» که همچنان در سرلوحه ی رنجبر ارگان حزبی نقش بسته است.

او از همان نوجوانی به سازمان جوانان دمکرات پیوست، در جوانی عضو حزب توده ایران شد و در انشعاب بزرگ تاریخی دهه چهل شرکت کرد، از بنیان گزاران سازمان انقلابی حزب توده شد و پس از گرفتن دکترا به کادر حرفه ای تمام عمری تشکیلاتش درآمد.

او تا قبل از بیماری اش در دو سال گذشته سر دبیر نشریه ای بود که دو رفیق سر دبیر قبلی اش را - فرامرز وزیری و محمود بزرگمهر از اعضای دفتر سیاسی حزب رنجبران ایران - رژیم جنایتکار اسلامی در دهه شصت اعدام کرده بود. در سوگ و در بزرگداشت او چه باید گفت و نوشت که درخور زندگی و شعور و دانش او باشد؟ سخن ها زیاد است در اینجا اشاره ای داریم:

\* حکایت از کمونیستی دارد که بیش از نیم قرن خود را تماماً و کاملاً در خدمت جنبش کمونیستی ایران و جهان گذاشت،

\*\* حکایت از کمونیستی دارد که وفادار به کمونیسم علمی استوار در سمت طبقه کارگر و تهیدستان ایستاد،

\*\*\* حکایت از کمونیستی دارد آگاه، مسلح به اندیشه های اساسی ماتریالیسم تاریخی و دیا لکتیکی که قادر است طبق شرایط مشخص آنها را بکار گیرد. دائماً به جمع بندی پراتیک خود بپردازد و در مسیر راه نماینده خوب نقد اشتباهات و اصلاح باشد و خود را هم هدف نوسازی و تصحیح قرار دهد.

\*\*\*\* حکایت از کمونیستی دارد که به موقع هنگامی که می بیند حزب توده ایران با فکر خودش نمی اندیشد، اساسش بر بنیاد اصلاح طلبی نه انقلابی ریخته شده و رویزیونیسم

یاد رفیق علی صادقی برای همیشه در خاطر حزب باقی خواهد ماند



خصلت عملی اصول راهنمای حزب ما اهمیت خاصی می داد.

رفیق نسبت به اوضاع سیاسی و مشکلات عینی بر سر راه حزب بسیار دقیق بود و به نقش تشکیلات به مثابه ابزار انقلاب اهمیت فوق العاده ای می داد. او این مشکلات را ناشی از نفوذ و تخریب ایدئولوژیهای غیر پرولتری در جنبش کمونیستی می دید و در جمع بندی چندین نکته را همواره یاد آوری می کرد و برای رفع آنها، کمونیست ها را به مبارزه بی امان فرا می خواند:

- ۱- فقدان حضور کادرهای کارگری فعال و آگاه در هدایت جنبش کارگری و توده ای
- ۲- نفوذ خرده بورژوازی چپ در درون جنبش کارگری با روحیه فرقه گرایی و خودمرکزبینی و نفی موضع پرولتاریا در امر وحدت
- ۳- شکست جنبش کمونیستی آگاه و نفوذ افکار سازشکارانه طبقاتی در درون جنبش کارگری باتکیه به نفی سوسیالیسم و ...
- ۴- سرکوب شدید جنبش چپ موجود و اعدام بسیاری از فعالان چپ و کادرهای سطح بالای کارگری
- ۵- تشتت نظری و سازمانی در درون جنبش چپ

- مدافع جنبش کارگری
  - ۶- دکماتیسم و سکتاریسم غالب بر جنبش چپ متکی بر نفی دیگر تشکلهای چپ به طور کامل
  - ۷- عدم تبحر در آموزش کمونیسم علمی و به کارگرفتن محکم و بدون تزلزل ماتریالیسم دیالکتیکی به مثابه علم شرایط رهانی پرولتارد بر خورد به مسائل
  - ۸- به کارنگرفتن سبک کار پرولتری: تلفیق تئوری باپراتیک، پیوندفشرده با توده ها و انتقاد و انتقاد از خود
- رفیق ابراهیم نکات فوق را در حزب آموزش میداد:

حزب باید برای تداوم مبارزه اش به عنوان یک تشکیلات کمونیستی پیوند خود را با جنبش کارگری تقویت کرده و صفوف اش را از کادرهای کارگری پر کند.

باید مبارزه ایدئولوژیک سیاسی پیگیری را علیه نظرات غیر پرولتری جلو ببریم

بایستی با تلاش خود صفوف پراکنده جنبش کمونیستی را از وضعیت کنونی خارج کنیم و با وحدت در یک تشکیلات پرولتری قدم های اول را برای ایجاد حزب کمونیست در آینده و با پیوند با جنبش کارگری برداریم.

حاصل این اندیشه شرکت حزب در بسیاری از جمع ها و کنفرانس ها در طی ۳۰ سال گذشته بر سر مسئله وحدت در خارج از کشور بود. او معیار چنین کاری را وحدت بر اساس اصول اساسی برنامه و تاکتیک میدانست.

در بسیاری از این دست آوردهای تئوریک رفیق

گذاشته است. او انسانی متحول بود. برعکس آنچه چیزی که برخی جریانات ترسکیستی و رویزیونیستی تبلیغ می کنند تفکری پویا داشت. وقتی بر سر پرچم اصول راهنمای حزب یعنی مارکسیسم - لنینیسم اندیشه مائو تسه دون در درون حزب صحبت و گفتگو شروع شد. بحث رفیق این بود که مفاهیم تئوریک نمی تواند مجرد و در خود باشند. او همیشه تاکید داشت که اصول راهنما بایستی بتواند به پراکندگی پایان داده و جنبش کمونیستی را متحد کند. او به نتایج تاریخی اصول و یا پرچم های گوناگون در جنبش کمونیستی ایران و جهان برخورد می کرد و می گفت ما باید نه تنها در عرصه های تاکتیکی بلکه اساسا در عرصه های استراتژیک که از اصول راهنمای ما بر میخیزد به وحدت برسیم. اگر ایسم گرایی در گذشته نقشی علیه نیروهای بورژوازی در خط کشی درون جنبش کمونیستی ایفا کرده است ولی در شرایط کنونی برای جلوگیری از انشعابات، گسست ها و ممانعت از تکه تکه شدن نیروهای کار و کمونیستی کافی نیست. کمونیسم علم رهای پرولتاریاست باید به وحدت کمونیست ها یاری رساند.

مسئله این بود که کمونیست ها نمی توانند اتحادهای تاکتیکی داشته باشند، آنها باید حزب واحد کمونیست را با پیوند با طبقه کارگر بوجود بیاورند. از جمله مسائل مورد بحث، شرکت در اتحاد عمل های مختلف بود. رفیق بطور دائم توضیح می داد که تا زمانی که هنوز خطوط کاملا از هم جدا نشده اند و امکان کار متحد موجود است، بایستی آن را ادامه داد.

کنگره سوم وقتی تشکیل شد که ما به برخی از مسائل کنگره دوم جواب داده بودیم ولی برخی مسائل هنوز حل نشده بود: از جمله مسئله رهبری، وظایف پیش رو در جنبش کمونیستی و کارگری در ایران، اصول راهنمای حزب، تحلیل طبقاتی از جامعه ایران و تحلیل از اوضاع بین المللی

رفیق ابراهیم مبارزه بی وقفه ای را جهت وحدت جنبش کمونیستی آغاز کرد. ما این مبارزه را آغاز کردیم و حالا در جایی هستیم که هیچ سازمان سیاسی نمی تواند انکار کند که امر وحدت یک ضرورت تاریخی برای جنبش کمونیستی است. رفیق که در جمع بندی از اصول راهنمای حزب، سوسیالیسم علمی را مطرح کرد (بسیاری از رفقای تشکیلات هم می گفتند این چه فرمولی است که کاک ابراهیم آورده است) چه در درون و چه در بیرون حزب لحظه ای در توضیح این نقطه نظر باز نایستاد. امروز سوسیالیسم علمی و کمونیسم علمی اصول راهنمای به نظر اکثر نیروهای جنبش کمونیستی در ایران و در سطح بین المللی تبدیل گشته است. او به

تشکیلاتی طولانی ای را آغاز کرد، کاک ابراهیم نامیده شد، همان نام مستعار قبلی اش در جنبش کردستان.

در طی مدتی که رفیق در کردستان بود، حزب ما دومین کنگره خود را برگزار کرد. توانمند کردن مجدد حزب به لحاظ تئوریک و سیاسی آنهم در شرایطی که حزب که از اشتباهات جدی اش در حال فاصله گرفتن بود و رفتن ها نیز بیش از آمدنها بود، کاری بس دشوار می نمود.

رفقای نگهبان گزارش میدادند که گاهی که چراغ اتاق رفیق تا ۲ نیمه شب روشن بود و در زیر نور فانوسی آن وضعیت حزب و شرایط موجود را تحقیق و بررسی میکرد. گاهیگاهی خود برای نگهبانی داوطلب می کرد و در حالی که خود از همه خسته تر بود می گفت رفقا خسته هستند بگذار همین یک ساعت رفقای جوان زیادتربخوابند تا فردای سالمتری داشته باشند. تکیه لفظش «جوان» بود بعدها که ما دیگر جوان نبودیم، می گفت «جوان چطوری» و ما می خندیدیم.

قبل از کنگره دوم، کنفرانس بخش کردستان به مدت یک هفته برگزار گردید که اختلافات سیاسی به سطح پائین تری هم کشیده شده بود. خلاصه کنم مبارزه دو خط مشی بشدت در شرایط عقب نشینی عمومی ادامه داشت. او از این که حزب و کنگره دوم نتوانست بخش تهران را با خود همراه کند به شدت ناراحت بود. بعدها که خیلی ها به خارج رفتند و یا حزب را ترک کردند ماکدا میگفت: «ما جنگ طبقاتی را خوب نفهمیدیم. ما برای پیشروی خود را آماده میکردیم ولی هیچگاه نه به عقب نشینی فکر کردیم و نه آماده بودیم که راههای آنرا حداقل یاد بگیریم وقتی متوجه این امر شدیم که مبارزه آنرا به ما تحمیل کرد ما باید راههای عقب نشینی را جهت ادامه مبارزه و پیشروی بعدی و نه برای توجیح پراکندگی و حفظ خود یاد بگیریم» او میگفت: «بعضی مواقع صدای آتشی که از گفتگوهای رفقا می بارید را می شنیدم. حالا که فکر می کنم می توانم عمق سنگینی یک شکست را در کلیه عرصه های اخلاقی - سیاسی - تشکیلاتی بهتر درک کنم. رشد اندیودالیسم، ندیدن جمع و دهها مشکلات دیگر اجازه پیشروی را نمی داد.» پایان گزارش

در آن شرایط جمع و جور کردن تشکیلات، ادامه وظایفی که کنگره دوم بر دوش رفیق و رهبری حزب گذاشته بود و نیز دقیق تر کردن خطوط عمومی مصوب کنگره و پایان دادن به اغتشاشات فکری، از توان های عادی خارج بود. درست در این شرایط تاریخی رفیق مجددا نشان داد که کمونیستی استوار، وفادار به حزب و رفقا و متعهد به وظایفی است که جمع بر عهده اش





تنها بود. او می گفت یکی از اشکالات جدی رفقا کم بها دادن به مبارزه تئوریک است و ما باید این مبارزه را در عصر نئولیبرالیسم و گلوبالیزاسیون همه جانبه تر سازماندهی کنیم. ما امروز که به خط مشی حزب و سیاست های مصوبه در کنگره های دوم و سوم می نگریم، تغییرات بسیار مثبتی را می بینیم که نقش رفیق ابراهیم در آنها اگر نه صد در صد ولی بسیار برجسته بوده است.

رفیق بر اصول کمونیسم علمی پای می فشرد. او در چند سال گذشته مبارزه گسترده ای را علیه نظرات انحرافی نشان دادن «دمکراسی» به جای سانترالیسم دمکراتیک و فراکسیونسیسم و محفلیسیسم تشکیلاتی به جای سازماندهی تشکیلات کمونیستی به پیش برد

او بارها نوشت و گفت که «اتحاد عمل»، «اتحاد پایدار» و تئوری هایی از این قبیل نه می تواند و نه توان عینی و مادی آنها پیدا خواهد که از مرزهای موقت و ناپایدار خارج شود. در شرایطی که یک حزب کمونیست واحد با پایه های وسیع توده ای و کادرهای پرتوان کارگری در سطح رهبری کل جامعه ظاهر شود میتوان از اتحاد عمل های کاملاً موقت با برخی جریانات اجتماعی در مبارزه علیه ارتجاع حاکم سخن گفت. او مرتب یاد آوری می کرد که کمونیست ها اتحاد های حزبی را نباید با وحدت در حزب کمونیست یکی بگیرند زیرا این امر جنبش را به پراکندگی و سردرگمی بیشتری می کشاند.

از او آثار بسیار زیادی بجا مانده است که به مرور آنها را جمع آوری و بازتکثیر خواهیم کرد. او علاوه بر مقالات تئوریک که عمدتاً در جواب به مسائل روز جنبش بود، به مسائل تئوریک جنبش کمونیستی بین المللی نیز توجه خاصی داشت. او انسانی بود با دانش علمی بالا. همانطور که می دانید او موفق به اخذ مدرک دکترای فیزیک هسته آنهم در ۵۰ سال پیش گردید، رشته ای که در آن زمان ویژه نخبگان علمی بود. ولی تمایلی نداشت که دکتر خطابش کنند. نظرش این بود که القابی این چنینی از دنیای کهن برای جدایی طبقات و انسان ها می آید و این نوع القاب فقط باید در محیط کار مربوطه و یا ضرورت های علمی بکار گرفته شود. او در عین تواضع و فروتنی، برای رشد و قدرت طبقاتی پرولتاریا سری پر شور داشت.

او مولف کتاب «سیر تکاملی امپریالیسم» است که مسائل عصر امپریالیسم و روندهای اجتماعی و جهانی آن را میشکافد.

«تروریسم زائیده میلیتاریسم» نوشته دیگر اوست، جزوه ایست در مورد عروج تروریسم در اوضاع کنونی مترجم کتاب «تاریخ مختصر زمان» نوشته استفان هاو کینگ است، کتابی علمی در مورد فیزیک و

ستاره شناسی و دیالکتیک دنیای ماتریالیستی. ترجمه دیگر او «مبارزه در مورد شیوه تفکر در جنبش کارگری»، از استفان انگل یکی از رهبران جنبش کارگری آلمان است او وقتی به شناخت از موضوعی دست می یافت، و آن را در جلسات و نشست ها مطرح می کرد و ساعت ها در مورد آن بحث و مشاجره و جدل به وجود می آمد، دوباره به مطالعه در مورد آن می پرداخت و وقتی موضوعی برایش مسجل می شد، پیگیرانه آنرا در درون تشکیلات تبلیغ می کرد. او موضعی سرسخت علیه لیبرالیسم سیاسی و تشکیلاتی داشت و سعی می کرد حیات با نشاطی برای حزب بسازد. یادم هست وقتی در کردستان بودیم هفته ای یک شب برنامه شادی به نام گالته وه گپ داشتیم. برخی مواقع که فرصتی دست می داد به جمع پیشمرگان می آمد که با ورودش شور و نشاط دیگری آن شب ها را فرا می گرفت. او برایمان سرود و شعر ترکی می خواند. انسان شوخ طبعی نبود ولی برخوردی بسیار دوستانه و رفیقانه داشت.

فرستاده ای از یکی از سازمان های سیاسی نامه ای برای رهبری حزب، کاک ابراهیم، آورده. کاکا جلوی در نشست. شخص مزبور وارد شد و کاکا برایش نوشیدنی آورد و هر دو به درون رفتند. پس از دقایقی، کاکا بیرون آمد و گفت کسی را بفروست تا پیش میهمانان بنشیند و ببیند چه کار دارد. رفیقی نزد او رفت و بعد از حال و احوال پرسید که کارش چیست. او قبل از هر چیز گفت «این رفیق شما عجب آدم خوبی است. من با کاک ابراهیم کار دارم.» وقتی کاکا ابراهیم دوباره نزد او برگشت با تعجب گفت:

«خیلی آدم افتاده ای است باورم نمی شود.»

گاهگاهی عصبانی می شد و لی در عین عصبانیت احترام طرف مقابلش را از حفظ میکرد. بسیار در انتقاد کردن صریح الکلام بود ولی تلاشش این بود که انتقاد را به بگو مگو تبدیل نکند. مناسبات او با مام جلال از گذشته های دور بسیار حسنه بود و جلال طالبانی او را ماموستا ابراهیم صدا می زد. اما زمانی که جلال طالبانی مواضعش را نسبت به جنبش عوض کرد، بدون هیچگونه تاملی او را به باد انتقاد گرفت و دوستی را پرده ساتری بر مناسبات سیاسی نکرد. او هیچگاه و به هیچ دلیلی اصول را فدای مناسبات نمی کرد او حتی در آخرین روزهای بیماری که در بیمارستان بستری بود، سعی کرد که برای رنجبر ارگان حزب قلم بزند. اما بیماری دیگر به او فرصت نداد. در همین روزها بود که گفت: «من تا آخر عمر ادامه خواهم داد. مگر مرگ من را از کارهایم وادارد»

او در کار تشکیلاتی بسیار پر حوصله بود، شخصیتی بسیار کارزماتیک داشت که برای حزب ما نقش بسیار مثبتی ایفا میکرد. در

بدرترین شرایط تشکیلاتی بسیاری از رفقا بدور او حلقه زدند و دست در دست هم، نگذاشتند که حزب رنجبران ایران ناشی از انشعاب و یا ضربات رژیم اسلامی به فترت رود.

آخرین جلسه تشکیلاتی او سه ماه و نیم پیش و یک هفته قبل از آخرین بستری شدنش در بیمارستان بود. بعد از عملی که دو سال و اندی پیش، روی غده مغزی رفیق انجام شد، حدود یک سالی حال خوبی داشت. ولی مشکلات مجدداً سر برآورد. رفیق دچار تشنج های جسمی می شد و در طی مدتی که در بیمارستان بود چندین بار دچار عفونت های ریوی شد که در آخرین بار دیگر نتوانست مقاومت کند. و از میان ما رفت.

امروز ما سپاس بیکران و احترام عمیق خود را به رفیق کاک ابراهیم که از ۱۲ سالگی تا لحظه درگذشتش از مبارزه باز نایستاد.

بخاطر خدماتی که با تمام توان به حزب و جنبش کمونیستی کرد،

بخاطر زحماتی که برای حزب رنجبران و تشکیلاتش کشید،

بخاطر تلاش و کار مستمر و پیگیر برای تصحیح خط مشی حزب، نثار می کنیم. او در عمل به ما آموخت که در مبارزه طبقاتی برای سوسیالیسم تا آخر بجنگیم.

بدرود رفیق - اندیشه ها و رهنمودهایت برای همیشه در میان ما خواهد ماند.

بدرود رفیق - ای یار و یاور کارگران و زحمتکشان ای انسان سترگ. ای کمونیست پر شور بدرود.



**غم از دست دادن او همچون کوه بر دوش رفقا سنگینی می کند**



پیام احزاب و سازمان ها بقیه در صفحه اول

به یاد رفیق علی صادقی (کاک ابراهیم دریغ و تاسف که در سحرگاه ده اسفند ۱۳۹۷ (اول مارس ۲۰۱۹) رفیق علی صادقی (معروف به کاک ابراهیم و دکتر ابراهیم) از بنیانگذاران سازمان انقلابی حزب توده و پس از آن حزب رنجبران ایران، در گذشت. کاک ابراهیم در سال ۱۳۱۵ در روستای چکنه از توابع قوچان در شمال خراسان به دنیا آمد. در دوران دبیرستان در مشهد، به سازمان جوانان حزب توده پیوست. پس از دیپلم به سوئیس رفته و در دانشگاه لوزان در رشته فیزیک فارغ التحصیل شد و سپس در سال ۱۹۶۳ در فرانسه موفق به دریافت دکترای فیزیک هسته ای شد. اما به جای بالا رفتن از پله های «ترقی» تصمیم گرفت با هر آن چه در توانش بود وارد راه مبارزه در راه رهایی ستمدیدگان و استثمارشوندگان شود. باب آواکیان نکته مهمی را در رابطه با خصلت روشنفکران می گوید: «یکی از خصایل مشخص روشنفکران، چه به عنوان فرد یا پدیده ای اجتماعی، این است که به خاطر موقعیت خاص شان و ماهیت نقش آنان در کار با ایده ها، امکان و ظرفیت آن را دارند که خود را به این یا آن طبقه «بچسبانند» و حتا خود را از یک طبقه «جدا» کرده و به طبقه ای دیگر «بچسبند». به عبارت دیگر، آنها می توانند جهان بینی این یا آن طبقه را اتخاذ کنند و نماینده منافع این یا آن طبقه شوند.» رفیق ابراهیم، نمونه ای از آن روشنفکران طبقه بورژوازی بود که از طبقه خود گسست کرد تا به رهایی زحمتکشان خدمت کند

دکتر ابراهیم همراه با بسیاری از کادرهای جوان حزب توده در اوایل دهه شصت میلادی، تحت تاثیر نقدهای مائوتسه دون به غلبه رویزیونیسم در حزب کمونیست شوروی و تبدیل آن از یک کشور سوسیالیستی به یک کشور سرمایه داری، از حزب توده جدا شدند و سازمان انقلابی حزب توده را تشکیل دادند. سازمان انقلابی حزب توده، تصمیم گرفت عده ای از کادرهای خود را مخفیانه به ایران بفرستد. رفیق ابراهیم به چین و کوبا سفر کرده و دوره های آموزشی مختلف را در این دو کشور از سر گذراند و در سال ۱۳۵۴ از طریق افغانستان وارد ایران شد اما در مرز دستگیر شد. وی به مدت ۲۶ ماه در سلول انفرادی و زیر شکنجه قرار داشت اما حتا هویت خود را فاش نکرد. چهل سال پیش با سرنگونی رژیم شاه وی در سال ۵۷ از زندان آزاد می شود ما با رفیق ابراهیم اختلافات زیادی به ویژه در مورد چین پس از سال ۱۹۷۶ داشتیم. یعنی

هنگامی که پس از مرگ مائو، رویزیونیست ها قدرت را گرفتند و سرمایه داری در این کشور احیاء شد. در جنبش نوین کمونیستی که تحت تاثیر مبارزات مائوتسه دون علیه رویزیونیسم روسی شکل گرفته بود، ناموزونی در درک از تکامل کیفی مارکسیسم توسط مائو و بیان پراتیکی آن در «انقلاب فرهنگی پرولتاریایی» موجود بود. به همین جهت عده ای از جوانان کمونیست به جای پیوستن به سازمان انقلابی حزب توده، سازمان انقلابیون کمونیست به رهبری رفیق سیامک زعیم را تشکیل دادند. این اختلافات هنگامی که رویزیونیست ها در چین سوسیالیستی قدرت را گرفته، رهبران مائوئیست مانند چیان جین و چن چان چیانو را دستگیر و زندانی و سرمایه داری را با پشتوانه امپریالیسم آمریکا در چین احیاء کردند، جهش کیفی کرد. رفیق ابراهیم همانند بخش بزرگی از جنبش نوین کمونیستی هنگامی که همین اتفاق دو دهه پیش در شوروی رخ داده بود، موضع صحیحی اتخاذ کرده بودند؛ اما در مورد چین دچار اشتباه شده و تا مدت ها چین رویزیونیستی را چین سوسیالیستی قلمداد کرده و طرفدار تز رویزیونیستی «سه جهان» بودند. اما اتفاقی که در چین افتاد، رخدادی «چینی» نبود بلکه رخدادی بین المللی بود که پیامدهای منفی تاریخی-جهانی داشت. اکثریت غریب به اتفاق جنبش نوین کمونیستی ایران، نتوانستند از ورای این شکست و با تحلیل از آن، مانع از اضمحلال جنبش بین المللی کمونیستی شوند.

یکی از چالش های بزرگ در مقابل کمونیست ها، خطر بیرون افتادن احزاب از جاده انقلاب است. هر چرخش و نقطه عطفی که در اوضاع (به ویژه اوضاع بین المللی) رخ می دهد، ضرورت های جدیدی را در مقابل احزاب کمونیست می گذارد. تحلیل درست یا نادرست از این ضرورت ها و دادن پاسخ صحیح یا اشتباه به آن می تواند یک حزب کمونیست را به کجراه ببرد یا با کیفیت تر کند. اگر تحلیل از ضرورت و پاسخ به آن نادرست باشد در چنین شرایطی به رقم تلاشها و فداکاری ها، عمل و پراتیک سیاسی به هدف و آرمان خدمت نخواهد کرد. این مساله چالشی بوده است که همه احزاب جنبش نوین کمونیستی با آن روبرو بودند و بررسی رویکردها و چرخش های آنها، از جمله سازمان انقلابی حزب توده و حزب رنجبران، بخش مهمی از این مبارزه و این روند و همچنین تاریخ مبارزه طبقاتی در ایران است گرامی باد یاد و خاطره رفیق ابراهیم حزب کمونیست ایران (مارکسیست لنینیست مائوئیست) ۱۰. اسفند ۱۳۹۷

تسلیم بمناسبت درگذشت رفیق علی صادقی (کاک ابراهیم)

با کمال تاسف رفیق گرامی و کمونیست باسابقه دکترعلی صادقی (کاک ابراهیم) صبح روز دهم اسفند ماه ۱۳۹۷ برابر با اول مارس ۲۰۱۹ زندگی پربارش را بدرود گفت.

رفیق ابراهیم نوجوانی خود را با فعالیت در سازمان جوانان حزب توده آغاز کرد و بعد از ادامه تحصیل و اخذ دکترای فزیک در سوئیس و فرانسه، تمام زندگی خود را وقف مبارزه در راه تحقق آرمانهایش نهاد. او قبل از قیام بهمن ماه مدتی برای آموزش در کوبا و چین به سر برد و هنگام بازگشت از چین در مرزافغانستان دستگیر و تا مقطع انقلاب در زندان بود. کاک ابراهیم در جوان قیام بهمن ۵۷ از زندان آزاد شد و بعد از آزادی از زندان به مبارزه ادامه داد و به همراه همکاران خود حزب رنجبران ایران را تشکیل داد و بعد از آن تا آخرین لحظه زندگی اش در چهارچوب رهبری و سیاست های این حزب به فعالیت های خودش ادامه داد. رفیق ابراهیم یکی از تلاشگران وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران بود و فعالانه در نشست ها و رایزنیهای

مختلف درباره ضرورت اتحادها شرکت میکرد. او در شکلگیری اتحاد چپ کارگری، اتحاد انقلابی و اتحاد ۲۵ حزب و نهاد چپ و کمونیست، فعالانه شرکت داشت. رفیق ابراهیم آثار زیاد نوشتاری و گفتاری از خود بجای نهاده است که بخشی از تجربیات جنبش کمونیستی و کارگری ایران در نیم قرن اخیر محسوب میشود. کاک ابراهیم همچنین انسانی فروتن، مهربان، قابل اعتماد و صریح در طرح و پیشبرد نظرات اش بود.

درگذشت رفیق ابراهیم را به خانواده و همزمان او تسلیم گفته و خود را در غم از دست دادن وی شریک و سهیم میدانیم. یاد او همیشه در مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم گرامی و جاودان خواهد ماند.

روابط عمومی

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

۱۲ اسفند ماه ۱۳۹۷





پیام ایکور

**Members of the Politburo/  
Secretariat  
Ranjbaran (Proletarian Party of  
Iran**

,Dear Comrades

**We in the New Democratic  
Marxist Leninist Party of Sri  
Lanka are sad to learn of  
the death in late February of  
Comrade Ibrahim Founder  
Chairman of Ranjbaran/Iran  
since the beginning of the  
.1980s**

**I offer on behalf of the NDMLP  
our revolutionary salutations to  
the late Comrade Ibrahim and  
our deepest sympathies to his  
.family and comrades**

**His dedication and unwavering  
loyalty to the socialist cause,  
proletarian revolution and  
the working class and his  
leading role in building the  
revolutionary party of Iran  
together with other comrades  
are memorable, especially  
in the context of the brutal  
dictatorial monarchy of  
.Mohammad Reza Pahlavi  
Comrade Ibrahim, although  
forced to live in exile after  
seizure of power by the Islamic  
regime which has persecuted  
all opposition, the Left in  
particular, has been firm in  
his policies and kept alive the  
struggle for socialism and  
people's democracy in Iran**

**We, while sharing the deep  
sorrow of the family, friends  
and comrades of Comrade  
Ibrahim, are also confident that  
the exemplary leadership of  
Comrade Ibrahim will continue  
to guide Ranjbaran in its  
revolutionary course, even  
.after his passage**

**Fraternally  
SK Senthivel  
General Secretary, New  
Democratic Marxist Leninist  
Party**

دنبال تشدید سرکوبهای رژیم اسلامی در سال  
۶۱ به مناطق آزادشده کردستان آمد .

در کنگره دوم حزب رنجبران در شهریور  
۱۳۶۳ به عنوان مسئول دفتر سیاسی انتخاب  
شد و تا لحظه مرگ مسئول اول این حزب بوده  
است .

سازمان ما مرگ این مبارز با سابقه جنبش چپ  
ایران را به همسر، دختر و همزمانش تسلیت  
میگوید و برایشان شکیبایی آرزو میکند .  
جاودان باد یاد عزیز دکتر علی صادقی !  
کمیته مرکزی سازمان راه کارگر

۷ مارس ۲۰۱۹



پیام همدردی به مناسبت درگذشت رفیق  
دکتر علی صادقی (کاک ابراهیم)

اطلاع یافتیم شامگاه بیست و هشتم فوریه  
قلب خستگی ناپذیر رفیق مبارز و کمونیست  
دکتر علی صادقی (کاک ابراهیم) پس از  
دوره ای طولانی بیماری از تپش باز ایستاد .  
رفیق کاک ابراهیم بیش از پنجاه سال عمر  
پر بار خود را صرف مبارزه با سرمایه داری و  
امپریالیزم نمودند . کاک ابراهیم از نیروهای  
برجسته کمونیست دهه چهل بودند که به  
درستی خط ناصحیح و مشی رویزیونیستی  
حاکم بر حزب توده را نقد کردند و سازمان  
انقلابی را با جمعی از رفقاییشان بنیان نهادند  
 . بعدها این رفیق دهه ها به عنوان رهبر حزب  
رنجبران و سردبیر نشریه رنجبر تا آخرین  
روزهای زندگی خود به مبارزه ادامه دادند .  
ایشان از دهه ها قبل به تلاش برای تدارک  
حزب انقلابی و کمونیست طبقه کارگر  
اعتقاد داشتند و در همین راستا دوره ای به  
عنوان عضو جمع قدم اول نیز برای این مهم  
تلاش کردند .

جمع قدم اول با توجه به تفاوت نظر با این  
رفیق، به هیچ وجه تلاش خستگی نا پذیر  
ایشان در تدارک حزب انقلابی را فراموش  
نمیکند و مراتب همدردی خود را با خانواده  
محترم و رفقای ایشان اعلام دارد .

یاد کاک ابراهیم عزیز گرامی

جمع قدم اول (تدارک حزب انقلابی طبقه  
کارگر)

۰۱/۰۳/۲۰۱۹



باوفای دیرین طبقه کارگر درگذشت

ما با اندوه فراوان مطلع شدیم رفیق علی صادقی  
این یار باوفای دیرین طبقه کارگر و دبیر اول  
حزب رنجبران ایران روز ۱۰ اسفند ۱۳۹۷ در  
کشور سوئد درگذشت .

رفیق صادقی بیش از نیم قرن از زندگی خود را  
وقف مبارزه برای اعتقاداتش کرد . این اعتقادات  
عبارت بودند از رهایی طبقه کارگر، سوسیالیسم  
و برقراری دموکراسی در ایران . او در همان حال  
از شخصیتی مصمم، صمیمی و صادق برخوردار  
بود .

رفیق صادقی در سال های اخیر نیروی خود را  
برای اتحاد بزرگ احزاب و گروه های چپ ایرانی  
برای ایجاد یک حزب کمونیست واحد به کار  
بست . اما او می کوشید این خواست اتحاد را،  
که فی نفسه درست و برحق است، توسط توافق  
و ائتلاف احزاب و گروه های چپ ایران تحقق  
بخشد .

یادش زنده و گرامی باد .

۱۱ اسفند ۱۳۹۷، کارگران انقلابی متحد ایران



پیام تسلیت سازمان راه کارگر بمناسبت  
درگذشت رفیق علی صادقی دبیر اول حزب  
رنجبران

روز ۱۰ اسفند رفیق ابراهیم ( دکتر علی  
صادقی) در بیمارستانی در سوئد بعد از مدتها  
دست و پنجه نرم کردن با بیماری جهان را بدرود  
گفت .

رفیق علی صادقی در سال ۱۳۱۵ در روستای  
چکنه از توابع قوچان، بدنیا آمد . تحصیلات  
دبیرستان را در مشهد به پایان رساند و در سال  
۱۳۴۲ برای ادامه تحصیل راهی سوئیس شد . او  
در دانشگاه شهر لوزان تحصیل کرد و سرانجام  
در رشته فیزیک فارغ التحصیل گردید . پس از  
آن به فرانسه رفت و در رشته فیزیک اتمی دکترای  
گرفت .

او از فعالین سازمان جوانان حزب توده و سپس در  
جریان جدایی سازمان انقلابی از حزب توده در سال  
۱۳۴۳ به عنوان دانشجو به این جریان پیوست و  
نماینده واحد فرانسه در اولین کنفرانس سازمان  
انقلابی در تیرانا شرکت کرد . او به عنوان یک  
کادر فعال سازمان انقلابی سفرهایی به کوبا و  
چین داشت . و بعد از فراگیری آموزشهای نظامی  
در سال ۱۳۴۷ برای کمک به جنبش خلق کرد  
به کردستان منتقل شد . بعد از انقلاب در جریان  
تشکیل حزب رنجبران که از وحدت سازمان  
انقلابی با شماری دیگر از فعالین و جریانات  
معتقد به اندیشه مائوتسه دون پدید آمده بود به  
عضویت دفتر سیاسی این حزب انتخاب شد . به

از آموزش های او می آموزیم و بکار می گیریم





بجز نوشته هایی که با امضای تحریریه  
منتشر

می گردد و بیانگر نظرات

حزب رنجبران ایران می باشد،

دیگر نوشته های مندرج در نشریه رنجبر  
به امضا های فردی است و مسئولیت  
آنها با نویسندگانشان می باشد.

پیام رفقای ایران

رفقا! هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق رفیق ما، رفیق بزرگ ما هرگز از یاد ما نخواهد رفت او پرچمی است که همواره بر بالای قله حزب ما میجند، میدرخشد و ما را به تداوم راهش فرا میخواند رفقا بیاییم ضایعه مرگ جانسوز رفیق دلسوزمان رفیق علی صادقی را بانگیزه و نیرویی دوجندان برای ادامه راهش تبدیل کنیم، رفقا! رفیق صادقی در زمانه ای ما را تنها گذاشت که از پس شکستهای داخلی و بین المللی امروز کار مبارزاتی جنبش کمونیستی کارگری جهانی اوج بی سابقه ای گرفته سرمایه داری جهانی و امپریالیسم در پس بحران حاد ۲۰۰۸ همچنان یارای برون رفت از این بحران ها و تضاد های موج وار افزوده بان را نیافته اس اری رفقا خرد چنین حکم میکند در هر شرایطی و در هر نقطه از این جهان پهناور که یکدم پرچمی را که،، رفقا ما،، پرویز واعظ زاده، تقی سلیمانی، خسرو صفایی، عباس صابری، عباس تمچی، و هزاران کمونیست دلاور دیگر برافراشته نگهداشته و بررقایی همچن رفیق صادقی سپرده بودند،، رفقا بر ماست این پرچم را بر افراشته نگهداریم و یک لحظه از تداوم راه آنان دریغ نورزیم زنده با د سوسیالیسم، زنده باد حزب رنجبران ایران، زنده باد تلاش بیوقفه برای ایجاد حزب کمونیست واحد ایران



پیام رفقای افغانستان

رفقای عزیز، امروز بعد از مطالعه خبر درگذشت رفیق «ک. ابراهیم» به صورت بسیار عاجل از جانب پورتال افغانستان آزاد-آزاد افغانستان تسلیت ما را ابراز داشتیم. لازم دانستم مرگ این رفیق گرامی را که در بدترین روزهای حیات رنجبران، چون ناخدای چیره دستی کشتی طوفان رنجبران را در همکاری رفیقانه با سایر رفقاء مجدداً در مسیر سالم حرکت قرار داد، باز هم برایتان تسلیت گفته موفقیت تان را در تعمیل آرمانهای به جای مانده از آن رفیق نستوه آرزو نمایم.

تندرست و پیروز باشید  
به نمایندگی از اداره پورتال

موسوی  
افغانستان آزاد

۴ مارس ۲۰۱۹

چاره رنجبران وحدت و شکیلات است

حزب رنجبران ایران

با قدردانی از کمکهای مالی رفقا و دوستان  
به حزب ذکر این نکته را ضروری می  
دانیم که تکیه ی حزب به اعضاء و توده  
ها در پیشبرد مبارزه طبقاتی، روشی  
انقلابی و پرولتاریائی است در حفظ  
استقلال سازمانی و جدا نشدن از طبقه  
کارگر و توده ها

به مناسبت پیام های تسلیت

شعری بیاد رفیق

پیام های رفقا و دوستان

جان باختن رفیق علی صادقی (کاک ابراهیم) یکی از فعالین قدیمی جنبش کمونیستی ایران را به خانواده و همرزمانش تسلیت عرض مینمایم

رفیق علی صادقی (کاک ابراهیم) درگذشت با کمال تاسف خبردار شدیم رفیق دکتر علی صادقی یکی از شخصیت های برجسته جنبش چپ و کمونیستی ایران در سوئد درگذشت. رفیق دکتر صادقی معروف به کاک ابراهیم در زندگی پربار خود کمر به خدمت زحمتکشان و طبقه کارگر ایران بست و تا آخرین لحظه حیات خویش چون موجی خروشید و آرام نگرفت.

کاک ابراهیم مبارزه سیاسی را در مکتب حزب توده ایران و سازمان جوانان آن در ایران آموخت و سپس برای ادامه تحصیل ایران را ترک کرد و در فرانسه و سپس به تحصیل فیزیک هسته ای مشغول شد و موفق به اخذ مدرک دکترا در این رشته شد، در خارج از کشور در میانه ی اختلافات دو حزب بزرگ کمونیستی دوران «حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی» و «حزب کمونیست جمهوری خلق چین» از این تشکیلات جدا شد و سوی حزب کمونیست چین را گرفت، در مسیر بعدی زندگی سیاسی خود به همراهی یارانش «سازمان انقلابی حزب توده ایران» را بنیان نهاد. او سالهای زیادی را در راه مبارزه برای آزادی ایران تا قبل از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ در اروپا، چین، کوبا و کردستان عراق طی کرد و چند سال پس از انقلاب در هنگامی که سعی داشت از مرز افغانستان مخفیانه وارد ایران شود توسط ساواک دستگیر و زندانی شد.

دکتر صادقی با آغاز انقلاب مردمی ایران از زندان آزاد شد و به همراه یاران خود به فعالیت سیاسی در میهنش دست زد. او در رهبری سازمان انقلابی بعداً به همراه چند تشکل و سازمان دیگر «حزب رنجبران ایران» را تشکیل داد و مانند گذشته در کمیته مرکزی این حزب به فعالیت ادامه داد.

پس از سرکوب سازمان ها و گروه های چپ توسط حکومت اسلامی ایران، کاک ابراهیم به کردستان ایران رفته و به مبارزه سیاسی و نظامی علیه حکومت اسلامی ادامه داد.

پس از سالها اقامت و مبارزه در کردستان، رفیق علی صادقی راهی سوئد شد و در آنجا تا امروز سکنی گزید.

دکتر علی صادقی در تمامی این سالها چهره شناخته شده حزب رنجبران ایران بود و با اراده ای آهنین و نظمی مثال زدنی روزنامه رنجبر را تا به امروز منتشر کرد.

با درگذشت دکتر علی صادقی جنبش چپ

تر نغمه خون درد بودی  
در سیره شبانگاهی  
در پیچ و وا پیچ ها  
در دالانهای انتظار

تو سرود خون مقاومت بودی  
در تخت های بسته شده  
در زیر بارانهای سیاه مارهای چند سره  
با پایهای آماس کرده  
در زنگ تفریح کرم های سیاه  
از دیوانگی و جهالت

تو معلم ما بودی  
سرود خون عشق و آزادی  
از جویبارهای خستگی و نشستن  
گذر کردی با سینه ای ستبر  
گذاره زمان به گذازهایی از آتش بدل شدند  
وقتی که با گرد سوزها روشنائی را می افروختی

سقوط تو امید کرکسان شب بود  
در کمرکش جاده  
وقتی که تفکر را به ارمان می بردی  
سرود تو با شیارهای جوهر سیاه خوانده شدند  
تو دیگر نیستی اما  
سرود خوانان جوان، پا در راه سرود می خوانند

به مناسبت پیام های تسلیت رفقای گرامی از اینکه در یاد بود رفیق علی صادقی ( کاک ابراهیم ) با پیام های تشکیلاتی و یا شخصی اظهار محبت و همدردی نموده اید حزب رنجبران ایران بسیار سپاسگزار است. توجه شما به از دست دادن یک رفیق کمونیست نشانه آینده روشن متحد طبقه کارگر و ستمدیدگان جامعه ای که در آن یک رژیم سفاک و خون آشام سرمایه داری حاکم است. در این شماره رنجبر که به مناسبت درگذشت رفیق علی انتشار می یابد صدها پیام از رفقا و دوستان از سراسر جهان دریافت شده بود. که ما فقط می توانستیم برخی از آنها را در این شماره بیاوریم آوردن پیام ها بدون هیچ ارجحیتی و یا حروف الفبا آورده شده

ما کمونیست ها همیشه در شرایط سرکوب، مهاجرت و شکنجه و زندان به مبارزه علیه رژیم های سرمایه داری در ایران دست زده ایم. مبارزه طبقه کارگر در سطح جهانی و چه در سطح بین المللی نشان می دهد که ناقوس مرگ سرمایه داری توسط گورکنانش به صدا در آمده است راهی بس سخت در این مبارزه با هزاران جانباخته و رفیق از دست داده نشانی از اراده طبقاتی ما برای پایان دادن به این دنیای پر از ستم و استثمار طبقاتی است. این مبارزه یک کشمکش تاریخی طبقاتی و نقطه عطفی برای رهایی کارگران و زحمتکشان از کل سیستم نابرابری انسانی در جامعه بشری و رهایی تاریخی بشریت از آن است. امروز رفیق ابراهیم در میان ما نیست ولی این جنبش با رفتن رفقای هم چون او بازخواهد ایستاد و هزاران کمونیست برای پایان دادن به این چالش تاریخی پا به عرصه این مبارزه گذاشته اند. و جای این رفقای از دست داده را پر خواهند کرد. راهشان پر راهرو و یادشان پاینده

حزب رنجبران ایران







به یاد او که دیگر نیست به خاطره ی یک دوست، یک رفیق  
آخرین بار که او را دیدم روز جمعه ۱۵ یونی/ژوئن سال پیش بود در سالن آب.اف استکهلم که برای دیدن و گوش دادن به رضا شهابی فعال کارگری داخل کشور گرد آمده بودیم. باهم قدم زنان و صحبت کنان تا ایستگاه مرکزی قطار/سنترال استاشون رفتیم و او آنجا قطار سوار شد و راهی شهری شد که در آن زندگی می کرد. در این حدود ۸ ماه که در پی آمد دیگر ارتباطی با هم نداشتیم. یک بار هم پیش از آن، دوسال پیش که در گردهم آئی با فراخوان فعالان چپ در سالنی در «هوسبی» در حومه ی استکهلم جمع شده بودیم او را دیده بودم. جز این دیدارهای محدود و مشخص، ارتباط دیگری میان ما وجود نداشت. او را دعوت کردم که به همراه دوسه تا از بچه ها به خانه ی من برویم. شب بودن و دیرگاه بودن را بهانه آورد و عجله داشت که به شهرش برود. آخرین بار که او را دیدم خیلی سرحال بود و پر تحرک و گله گذار از کم کاری چپ. طلوع او در زمانی بود که زمین لرزه ی تاریخی انشعاب بخش عمده ی کادرهای حزبی و سازمان های دانش آموری و دانشجویی از حزب توده ایران در اعتراض به دنباله روی کورکورانه از روسیه شوروی، خارجه نشینی و بی عملی رهبری این حزب روی داد. تصویر برجسته ی دیگر در زندگی سیاسی اش زمانی است که فراخوان سازمان انقلابی برای رفتن به داخل ایران را اجابت کرده و به طور قاچاق و از راه افغانستان به ایران می رود. نتیجه اش افتادن به چنگ ساواک و به زندان افتادنش بود. زمانی که درهای زندان ها به دست پرتوان مردم گشوده شد او نیز به آزادی دست یافت. شگفت آن که او حتا نام و مشخصات واقعی خود را به دشمن بروز نداده بود. سرسختی یکی از ویژه گی های منشی او بود که در بازه های زمانی دیگر هم از او دیده ام. به دو خاطره از او از زمان زندگی و کار در کردستان اشاره می کنم. این دو خاطره را از کتابم با عنوان «نگاهی از اعماق به زندگی و سیاست: سایه روشن هائی از خاطره های دوران کو.دکی، نوجوانی و جوانی ام» نقل می کنم.

خاطره ی اول: هرچه بیشتر نزدیک شدن «جلال طالبانی» و «اتحادیه میهنی» به رژیم حاکم در ایران؛ با دور و دورتر شدن او و آن «اتحادیه»، از سازمان ها و نیروهای ایرانی مستقر در «کردستان» [عراق]؛ به همراه بود. طبیعی است که روابط دوستانه ی سابق، رنگ باخته، به سردی گرائیده؛ و جای خود را، به تدریج به «قطع ارتباط» و

برای چالش با او وجود نداشت. نوجوانی بیش نبود که علیه کودتای بیست و هشت مرداد به خیابان آمده بود. کودتا به ثمر نشست. کودتا چنان به شکار نشستند و او لاجرم به خارج میآید. بعدها در تبعید یک لحظه آرامش نداشت. از آنانی بود که به نقد رادیکال از حزب توده پرداخته و در تقابل با فرمیسم و رویزیونیسم حاکم برآن، قهرانقلابی را به میان کشیده و همراه دیگرانی "سازمان انقلابی" را پایه گذاری میکند. جدائی از سرمایه داری دولتی در بلوک شرق روند غالب است و او یکی از آنهاست. انقلاب در چین و کوبا پیروز شده است. وجدال بر سر راه چین و کوبا در میان چپ جریان دارد. او عازم آنجا میشود تا تجارب جدیدی کسب کند و از آنانی است که میگویند باید به پای ایجاد حزب کمونیست رفت. و اینهمان تلاشی است که او تا لحظه وداعش با ما انجام میدهد.

مادیت بخشیدن به این تلاش او را مخفیانه به ایران میکشانند و دریغا که در لحظه ورود دستگیر میشود ولی دژخیمان رژیم ستم شاهی نمی توانند او را بشکنند شکنجه و شلاق خلی درعزم او وجود نمیآورد و پس آنگاه در هجوم مردم به زندانها او نیز رها میگردد. با ایجاد حزب رنجبران در رأس آن قرار میگردد. بعدها در کردستان در جمع بندی از این دوره، حاکمیت خط رویزیونیست راست در حزب را به نقد کشیده و تلاشی بیش از سه دهه را برای وحدت کمونیستها به پیش میبرد. و شوربختانه اینکه به این آرزویش که بیش از شش دهه برایش نبرد کرده بود، دست نمیآید و این بدون تردید بزرگترین مشغله فکریش بود. و اکنون در لحظه ای که جامعه در غلیان و جوشش است و نیاز جامعه به کمونیستهای ثابت قدم فریاد زده میشود، اما او در میان ما نیست و این فقدان دردی بزرگ است که آزارمان میدهد. بدرود کاک ابراهیم

زمان مسعودی، نصرت تیمورزاده

دهم اسفند یکهزار و سیصد و نود و هفت.

نعمت و میکائیل از اقلیم کردستان .

باسلام خدمت همه اعضا و رفقای حزب رنجبران ایران . شنیدن خبر درگذشت رفیق دکتر علی صادقی (ک ابراهیم) غمی بزرگ بود برای ما و جنبش انقلابی و کمونیستی ایران امیدواریم همه رفقا ادامه دهنده راه این کمونیست بزرگ باشیم. باعرض تسلیت به خانواده محترم و همه اعضا و رفقای حزب رنجبران ایران . ما را هم در این غم شریک بدانید. پایدار باشید

ایران یکی از بزرگترین مبارزان خود را از دست داد، مبارز بزرگی که عمرش را در خدمت آرمانهایش هزینه کرد و ساده زیست و صادق بود و صادق ماند

علیرغم هر اختلافات نظری و سیاسی با این انسان بزرگ، رفتن دکتر صادقی از میان ما کمونیست ها و کارگران ایران ضایعه ای جبران ناپذیر است، مهربانی، افتادگی و در عین حال پافشاری بر ارزش ها و باورهایش او را در جنبش چپ ایران برجسته کرد و یادش را زنده نگاه خواهد داشت

از سوی جمعی از همزمان سابق، دوستان و رفقای رفیق فقید کاک ابراهیم

مجله هفته درگذشت این مبارز برجسته را به دوستان و بازماندگان ایشان تسلیت عرض می کند .

یادش گرامی باد

اول مارس ۲۰۱۹

رفقای عزیز حزب رنجبران ایران

با کمال تأسف دریاقتم که رفیق دکتر علی صادقی بدرود حیات گفتند. این ضایعه بزرگ را به خانواده محترم اش، حزب رنجبران و جنبش کمونیستی و کارگران ایران تسلیت میگویم و برای شما رفقای عزیز آرزوی موفقیت دارم. خاطره اش جاوید و راهش پر رهرو باد

غلامرضا پرتوی

۲،۳،۲۰۱۹

جواد راستی پور

با سلام

درگذشت رفیق مبارز و فداکار علی صادقی را به همه رفقا تسلیت می گویم. من هیچگاه آن رفیق را از نزدیک ملاقات نکردم ولی از سال ۱۳۸۴ از طریق ایمیل ارتباطاتی با ایشان و سایر رفقا داشتم که در شکل گیری جهان بینی مبتنی بر سوسیالیسم علمی در من مؤثر بودند. پیشنهاد می کنم زندگی نامه مختصری از ایشان تهیه و منتشر شود. می توان تجربیات رفقای عضو حزب و سایر کسانی که با او کار و مبارزه کرده بودند را در یک مجموعه جمع و منتشر کرد

امیدوارم راهش پر رهرو باشد

موفق باشید

در سوگ رفیق علی صادقی

خبر ناگوار بود کاک ابراهیم از میان ما رفت. همین هفته های پیش بود که به گفتگو نشستیم بودیم و مثل همیشه جدال بر سر ایجاد حزب کمونیست بود و اکنون دیگر فرصت دوباره ای



در مواردی به دشمنی بدهد. این، روندی بود که در روابط ما با «مام جلال» و «اتحادیه» اش؛ شاهدش بودیم. در مرز این دو مرحله؛ به اتفاق «کاک ابراهیم» به دیدن «مام جلال» رفتیم. از ما، به گرمی استقبال کرد. در اتاقش، سفره‌ای همانند ایرانی‌ها [منتها با استفاده از صفحات یک روزنامه]؛ به روی زمین گسترده. ناهار خوشمزه‌ای به ما داد

در ضمن غذا خوردن، تعدادی از عکس‌هایش را به ما نشان داد. این، باید نشانه‌ای از روابط بسیار نزدیک و دوستانه‌ی او با «حزب» ما و همچنین به ویژه با «کاک ابراهیم» باشد. که بود. یکی از عکس‌ها، او را در کنار «جمال عبدالناصر» نشان می‌داد. نمی‌دانم چه طور شد که «کاک ابراهیم» به روابط «اتحادیه میهنی» با «جمهوری اسلامی» و شدت و شتاب گرفتن حضور «پاسدار»ها در منطقه؛ اشاره کرد. «لحن کاک ابراهیم»، انتقادی بود. او، حتا تا آن جا پیش رفت که:

سیاست «مام جلال» در نزدیکی به رژیم حاکم در ایران را؛ نا درست خواندم. به این معنا، که «اتکاء به یک قدرت خارجی»؛ همیشه فاجعه بار بوده و هست. او آن چه بر سر «ملا مصطفی بارزانی» آمد؛ را یاد آور شد. در پایان گفت که: «با پیش برد این سیاست»، همان سرنوشتی که «بارزانی» داشت؛ در انتظار تو خواهد بود! این حرفها، طبقاً به مذاق «مام جلال» خوش نیامد. عصبانی شد. که: «من، سرنوشت یک خلقی در دستم است. شما سازمان‌های ایرانی، که تعداد اعضاء تان به شمار انگشتان دست است؛ برای من، تعیین تکلیف می‌کنید!». این، آخرین دیدار ما با «جلال طالبانی» بود. پس از آن، روابط میان ما با «اتحادیه» یا روابط «اتحادیه» با ما؛ به سردی گرائید

خاطره‌ی دوم: توی اتاق‌ها مان بودیم. صدای پیش مرگه‌ای را، که نگهبان بود؛ شنیدیم. که بلند و بلند تر می‌شد. باید مشکلی، پیش آمده باشد. همه آمدند بیرون. «کاک ابراهیم» هم بود. چند «پیش مرگه» ی «اتحادیه میهنی» بودند. می‌گفتند: «پنجر کرده اند» و می‌خواستند که: «چرخ زاپاس ماشین تان را به ما بدهید!». به آنها گفته شد که: «ماشین ما، چرخ زاپاس ندارد!». آنها هم تهدید کردند که: «اگر ندهید، چرخ ماشین تان را باز می‌کنیم. می‌بریم». «کاک ابراهیم» رفت جلو و گفت: «شما نمی‌تونید این کار را بکنید. مگر از روی نعش من رد بشوید!». «پیش مرگه» های حزب که در نقاط مختلف، مستقر شده بودند؛ سلاح‌هاشان را «مسلح» کردند. دوستان «اتحادیه» هم، که دیدند «هوا، پس است»؛ دمشان را روی کول شان گذاشتند و رفتند

به هر روی او دیگر در میان ما نیست. تنها نام او و خاطره‌هایی از او به جای مانده است.

بسیاری از دوستان و رفقای که در یک زمان با حزب ارتباط داشته و یا هوادار آن بودند با من تماس گرفیه و از فقدان این رفیق گفته اند و یادش را گرمی داشته اند. در همین جا بجا می‌بینم که خاموشی این دوست، این رفیق را پیش از همه به خانواده‌ی گرمی او، به خاتم و به دختر عزیز اش که او همسنگ با کار سیاسی اش به آنها عشق می‌ورزید و نیز به همه‌ی کسانی که در درازنای زمانی با او و با زندگی سیاسی او آشنا و یا همراه بودند و به همه‌ی فعالان و کوشندگان چپ، عاشقان سوسیالیسم و آزادی؛ تسلیت بگویم

به یاد او که دیگر نیست

هوشنگ گلاب دژ/امید

شنبه دوم مارس ۲۰۱۹

یازدهم اسفند ۱۳۹۷.

رفیق دکتر صادقی معروف به کاک ابراهیم در زندگی پربار خود کمر به خدمت زحمتکشان و طبقه کارگر ایران بست و تا آخرین لحظه حیات خویش چون موجی خروشید و آرام نگرفت... او سالهای زیادی را در راه مبارزه برای آزادی ایران تا قبل از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ در اروپا، چین، کوبا و کردستان عراق طی کرد و چند سال پس از انقلاب در هنگامی که سعی داشت از مرز افغانستان مخفیانه وارد ایران شود توسط ساواک دستگیر و زندانی شد. دکتر صادقی با آغاز انقلاب مردمی ایران از زندان آزاد شد و به همراه یاران خود به فعالیت سیاسی در میهنش دست زد. او در رهبری سازمان انقلابی بعداً بهمراه چند تشکل و سازمان دیگر «حزب رنجبران ایران» را تشکیل داد و مانند گذشته در کمیته مرکزی این حزب به فعالیت ادامه داد... دکتر علی صادقی در تمامی این سالها چهره شناخته شده حزب رنجبران ایران بود و با اراده ای آهنین و نظمی مثال زدنی روزنامه رنجبر را تا به امروز منتشر کرد. با درگذشت دکتر علی صادقی جنبش چپ ایران یکی از بزرگترین مبارزان خود را از دست داد، مبارز بزرگی که عمرش را در خدمت آرمانهایش هزینه کرد و ساده زیست و صادق بود و صادق ماند. علیرغم هر اختلافات نظری و سیاسی با این انسان بزرگ، رفتن دکتر صادقی از میان ما کمونیست ها و کارگران ایران ضایعه ای جبران ناپذیر است، مهربانی، افتادگی و در عین حال پافشاری بر ارزش ها و باورهایش او را در جنبش چپ ایران برجسته کرد و یادش را زنده نگاه خواهد داشت

باقر مرتضوی

۱۳ اسفند ۱۳۹۷

(به یاد رفیق دکتر علی صادقی (کاک ابراهیم در کمال تأسف شنیدیم که قلب پرشور هم‌رمز سالیان ما، علی صادقی (کاکابراهیم)، دهم اسفند ۱۳۹۷ در بیمارستانی در سوئد، برای همیشه بازیاستاد. اگرچه از بیماری او آگاه بودیم ولی مرگ کاک ابراهیم برای همه آنانی که او را از نزدیک و دور می‌شناختند بسیار سنگین بود. این غم برای ما که سالیانی دراز با او هم‌رمز و هم‌سنگ بودیم و طعم خوش پیروزی و تلخ شکست را به اتفاق چشیده بودیم، دردناکتر تر بود

علی در سال ۱۳۱۵ در روستای چکنه از توابع قوچان، دریک خانواده فرهنگی ترک تبار دنیا آمد. تحصیلات دبیرستان را در مشهد به پایان رساند و در سال ۱۳۴۲ برای ادامه تحصیل راهی سوئیس شد. او در دانشگاه شهر لوزان تحصیل کرد و سرانجام در رشته فیزیک فارغ التحصیل گردید. پس از آن به فرانسه رفت و در رشته‌ی فیزیک اتمی دکترای گرفت

علی در تمامی این سالها از سیاست دور نماند. و به قولی با گام های استوار همیشه رو به پیش داشت. همین روحیه بود که او را در دوران نوجوانی به صفوف سازمان جوانان حزب توده ایران سوق داد. او در ایام تحصیل در فرانسه نیز نه تنها در صفوف حزب توده ایران، بلکه به عنوان یکی از کادرهای فعال آن، در میان دانشجویان عضو کنفدراسیون فعال بود. در سال ۱۳۴۳ در خیزش جوانان و کادرهای حزب توده، همراه زنده یاد پرویز نعمان علیه رهبری حزب توده از حوزه فرانسه شورش کرد و در همان سال یعنی آذر ماه سال ۱۳۴۳ بعنوان نماینده فرانسه در تشکیل سازمان انقلابی نقش برجسته‌ای بازی نمود. علی در اولین کنفرانس سازمان در تیران، پایتخت آلبانی، شرکت مستقیم داشت، و تقریباً در تمامی نشست‌های اساسی سازمان انقلابی در خارج به عنوان نماینده حضوری فعال داشت. در سال ۱۳۴۵ همراه گروهی از اعضای سازمان انقلابی جهت فراگیری شیوه جنگ پارتیزانی به کوبا اعزام شد. در بازگشت از کوبا جهت آموزش‌های سیاسی و نظامی همراه گروهی راهی چین شد تا از نزدیک با تحولات چین توده‌ای آشنا گردد و به قولی برای چشیدن مزه گلابی، آن را گاز زند.

دکتر صادقی روشنفکر تپییکی بود که از زنده‌گی مرفه‌ای که در اختیار داشت، دست شست و در سال ۱۳۴۷ برای کمک به جنبش خلق کرد همراه رفقاییش از راه ترکیه به آن دیار شتافت تا به گروه زنده‌یاد ملا آواره بپیوندد. او می‌توانست مثل خیلی‌ها در رفاه



کامل زندگی کند ولی این کار را نکرد و به خاطر آرمان هایش راه دیگری انتخاب نمود؛ راه خدمت به زحمتکشان، دموکراسی و آزادی. او صادقانه به راهی که پیش گرفته بود، باور داشت. بهروزی زحمتکشان آرمانش بود و تا واپسین لحظه‌های عمر بدان باور داشت. علی از جمله آن رزمندگان بود که در کنار سیاست به ادبیات نیز عشق می‌ورزید. گاه خود نیز شعری می‌سرود. و یا شعری از دیگران، به ویژه لاهوتی زمزمه می‌کرد؛

سر و رویی نتراشیده و رخساری زرد  
زرد و باریک چو نی

علی صادقی تصویری تپیک از یک روشنفکر انقلابی بود. از آن انقلابیونی که در قرن نوزدهم زیاد دیده می‌شدند؛ وظیفه‌شناسی صادق و داوطلب برای خطرناک‌ترین وظایف تشکیلاتی

او بی‌نیاهت ساده می‌زیست. تواضع او نه از سر ادا و اطوار که از فضلش سرچشمه می‌گرفت. با تمام این صفات، کاک ابراهیم عمیقاً فردی تشکیلاتی بود. عاشق طبقه کارگر بود. بدون اغراق می‌گفت؛ تنها آرمان، آرمان پرولتاریاست و برای رسیدن به این آرمان تشکیلاتی لازم است. تشکیلات و آرمان پرولتاریا آن خونی بود که در رگهایش همیشه و در همه حال جریان داشت.

علی در همان سال‌های پیش از انقلاب معتقد بود هر کاری که ما می‌کنیم و اگر به آن اعتقاد داریم، باید برای به اجرا درآوردن آن در ایران، به میان زحمتکشان برویم و حزب کمونیست ایران را در آنجا ایجاد کنیم. بدین خاطر در تابستان سال ۱۳۵۴ خود برای عملی کردن نقطه‌نظراتش پیشقدم شد و از راه افغانستان به ایران رفت. متأسفانه در مرز افغانستان دستگیر شد و بلافاصله زیر شدیدترین شکنجه‌های ساواک قرار گرفت. ولی هیچگاه اسرار سازمانش را لو نداد و لب از لب نگشود. او را به مدت ۲۶ ماه در سلول انفرادی نگه داشتند. سرانجام با خیزش توده‌های مردم و گشودن درهای زندان در بهمن سال ۱۳۵۷ از زندان نظام شاهنشاهی آزاد شد

علی در کنفرانس چهارم سازمان انقلابی در اردیبهشت ۱۳۵۸ که در تهران برگزار شد، جزو هیئت مسئولین پنج نفره سازمان انقلابی انتخاب شد و هم چنین در دی ماه همان سال در کنگره اول حزب رنجبران در شمار اعضای دفتر سیاسی آن انتخاب گردید. او تا زمان مرگ در رأس این سازمان فعالیت کرد و انتشار نشریه رنجبر را با تمام توان به پیش برد

او بعد از هجوم رژیم جمهوری اسلامی به سازمان‌ها و احزاب مترقی در سال ۱۳۶۱ اجباراً به کردستان رفت و از آنجا مبارزه‌اش را علیه

جمهوری اسلامی ادامه داد. کاک ابراهیم در کنگره دوم حزب رنجبران در شهریور ماه ۱۳۶۳ به عنوان مسئول دفتر سیاسی حزب رنجبران ایران انتخاب شد. در این دوره بود که همراه رفقای هم نظرش به جمع بندی از فعالیت سه ساله حزیش پرداخت و آن را به نقد کشید. علیرغم تلاش فراوان، در کردستان فعالیتش برای نزدیکی و همکاری با نیروهای انقلابی به ثمر ننشست ولی علی هم چنان با سماجت خاص خویش در این راه، از تکرار این حرف لاهوتی که «چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است» خسته نشد و به آرمان کمونیستی‌اش وفادار ماند

فقدانش را به همسر، دختر و یارانش تسلیت می‌گویم  
یادش گرامی باد

یادش گرامی باد  
آرش کمانگر

به مناسبت درگذشت رفیق ک. ابراهیم  
آمدور نویدی اشتراک  
درگذشت رفیق مبارز، تئوریسین حزب رنجبران ایران را به رفقا، دوستان و بازماندگان تسلیت می‌گویم

بدون شک، نبود رفیق کاک ابراهیم اثرات جانبی خواهد داشت. یکی از همین اثرات جانبی، نبود مقالات روشنگرانه ایشان در سایت رنجبران، اشتراک و... است

با امید به این که ده‌ها و صدها کاک ابراهیم جایگزین او شوند و همچنان مشعل فروزانی را که او در دست گرفته بود، بدست بگیرند تا به مقصد اهداف والايش سوسیالیسم- برسانند  
یادش گرامی باد  
آمدور نویدی

در فقدان و سوگ دکتر علی صادقی از مبارزان پرسابقه و دبیرکل حزب رنجبران ایران روز جمعه ۱۰ اسفند، رفیق علی صادقی (کاک ابراهیم) درگذشت. او انسانی فرهیخته با محبت و بردباری بود. قبل از انقلاب حدود دوسال در زندان اوین اوین (بند ۲، طبقه پائین) همبند بودیم. گرچه دیدگاههای متفاوتی داشتیم، اما از گپ و گفت با هم دریغ نمی‌کردیم. اشتیاق فراوانی به بحثهای تئوریک پایه‌ای داشت و اعتقاد عمیق به اندیشه‌های رفیق مانو. زنده یاد کاک ابراهیم ضد ارتجاع حاکم و مدافع آزادی و سوسیالیسم بود

فقدان او را به خانواده‌اش، به دوستان و رفقاییش به ویژه به دوستان بزرگوارم ایرج کشکولی و باقر مرتضوی تسلیت می‌گویم

مهدی سامع

جمعه ۱۰ اسفند ۱۳۹۷ - ۱۰ مارس ۲۰۱۹

## Pari Berger March ۱ at ۲:۰۰ PM

دکتر علی صادقی، رادمرد بزرگی که تمامی عمرش در خدمت به انسانها سپری شد (کاک ابراهیم) کمونیست برجسته‌ای که از آغاز جوانی تا آخرین دم (۸۲ سالگی)، به آرمانش وفادار ماند. یاد عزیزش گرامی و ماندگار. نه به هیأت گیاهی نه به هیأت پروانه‌ی نه. به هیأت سنگی نه به هیأت برکه‌ی، -

من به هیأت «ما» زاده شدم

به هیأت پرشکوه انسان

تا در بهار گیاه به تماشای رنگین کمان پروانه بنشینم

غرور کوه را دریا بم و هیبت دریا را بشنوم  
تا شریطه‌ی خود را بشناسم و جهان را به قدر همت و فرصت خویش معنا دهم

که کارستانی از این دست

از توان درخت و پرنده و صخره و آبشار

بیرون است

و خاطرات تا جاودان جاویدان در گذرگاه ادوار  
داوری خواهد شد

همسر فرامرز وزیری

## Mohsen Mousavi March ۴ at ۸:۵۲ AM

: به بهانه از دست دادن رفیق علی صادقی  
آره دل من هنوز آرام نگرفته است، همیشه با خود گفته‌ام؛ چه صفت و کرداری از انسانها را بیشتر دوست دارم؟ .... همان رفتاری را از کودکی به من آموختند. .... اولین نکته: صادق باش، دروغ نگو، ... انسانها و به ویژه سیاسیون و مخصوصاً کمونیست‌ها، باید رو .... راست باشند

خاطرام هست، روزی با رفیق عزیز تر جان، علی صادقی، در پیکان قراضه من نشسته و بسوی کاری میرفتیم. .... دل به دریا زدم و فقط گفتم: از خاطرات زندان ممکن است کمی بگویند؟ .. رفیق گویی نشنیده باشد، حرف دیگری را به میان آورد. .... او اساساً در مسائل جزئی کم حرف بود. اما وای که در جلسه .... حزبی، مو را از ماست میکشید

... یاد رفیق گرانمایه مان تا ابد جاودان باد

## Nazir Alizadeh

آپارتام را در استکهلم حدود ۲۷ - ۲۸ سال پیش بمدت چند روز در اختیار او و چند رفیق دیگر قرار دادم. وقتی میخواستند کلید را پس بدن رفیقی گفت به خارج سوئد تلفن کرده بود حساب کرد و پولش داد. بعد کاک ابراهیم هم گفت با برادرش به سوئیس زنگ زده و میخواست پولشو بده و من قبول نکردم

گفت: ببین کاکا تو داری منو فاسد





میکنی، بین من و اون رفیق فرق میزاری و من یواش یواش انتظار دارم که همه بین من و دیگران فرق قائل بشن.  
بر خورد آگاهانه اش به موضوعی به این "بی اهمیتی" درسی بود برای من که هنوز سعی میکنم.

علی صادقی - ۹ مارس ۲۰۱۹

در اخبار خواندم و پیام های تلفنی رفقا را شنیدم که کاک ابراهیم درگذشته است. تجربه آشنایی من با او عمدتاً به دوره فعالیت کمیته جوانان بلژیک در نشست احزاب و سازمان های چپ و کمونیست باز می گردد که از طریق رفیق درگذشته دیگری یعنی بهزاد کاظمی عزیز انجام شد و قطعاً به اندازه رفقای همزم و همدوره او غنی نیست اما در طول همین دوره کوتاه و دیدارهای چندی که داشتیم، نقش یک کمونیست سرخ از او در خاطر من بسته شد. فارغ از تفاوت های خطی و نگاهی که به استراتژی انقلاب و ... در میان بود، دو درس اساسی از رویکرد رفیق ابراهیم به مبارزه انقلابی را باید تکرار و تکرار و تکرار کرد

کاک ابراهیم در برخوردش به جوانان به - نهایت پویا و حساس بود و با تفاوت بسیاری نسبت به دیگر همدوره ای هایش که با احتیاط برخورد می کردند، تلاش بسیار می کرد که به محض برقرار شدن اعتماد دوطرفه، تمام داشته ها و تجارب خود را با جوانان درمیان بگذارد و راهی برای همفکری و همکاری بگشاید. در واقع وقتی رفیقی را در صحنه مبارزه می دید، مساله سن و سال و زن و مرد برایش علی التویه می شد و مساله اش این بود که چگونه باید با هم فعالیت انقلابی را آغاز کنیم! قطعاً این روحیه حاصل تجارب دوره جوانی این رفیق و نسلی بوده که تصویر بزیر کشیدن سرمایه داری را تجربه کرده بودند. در یکی از برخوردهای اولیه، من که جوان بودم رفتم و با کاک ابراهیم احوال پرسی کردم، با روی گشاده و شوخ طبعی همیشگی اش پاسخ داد که ما رفیق هستیم و مرا رفیق ابراهیم خطاب کن، کاک ابراهیم را این پیر و پاتال ها می گن... و با حوصله فراوان گوش به طرح های بلندپروازانه من و دیگران می سپرد و متواضعانه آنها را در کنار تجارب بسیار غنی و پربار خودش از دوران مبارزه طبقاتی در دهه های شصت و هفتاد میلادی بررسی می کرد

رفیق ابراهیم پایدار بود و اصرارهای سالیان - اخیرش مبنی بر ایجاد یک حزب سیاسی نوین، حاصل جمعبندی از دهه ها فعالیت انقلابی در سطوح مختلف بود. او که در جنبش انقلابی بطور دائم فراخوان تشکیل یک حزب کمونیست واقعی را از اتحاد نیروهای چپ و انقلابی می داد به ضرورت اصلی انقلاب تاکید

بری. او رهبر پرولتاریای جهان بود و یک جنگ بیست ساله و یک انقلاب کبیر را رهبری کرد و ... تو چه کردی؟ ما چه کردیم؟! سکوت سختی بر جلسه حاکم گشت و خوشبختانه این برخورد به خیر و خوشی تمام شد و بحث ها ادامه یافت اما درسی که رفیق ابراهیم به من و قطعاً به سایرین داد این بود که نباید به دستاوردهای پرولتاریا، تلاش عظیم آنها برای تغییر جهان و نقش بی بدیل رهبران شان با وجود تمام خطاها و انحرافات - حالا که شکست خورده اند، با شوخی و کنایه برخورد کرد. چیزی که بورژوازی در تمام مبارزات توده ای و دوران انقلابات پرولتری از طریق مدیای عظیمش رواج داده و تا امروز که نه از دولت سوسیالیستی و نه از انقلاب پرولتری خبری هست ادامه می دهد نباید به ادبیات سیاسی نیروهای انقلابی راهی پیدا کند. دوران جمهوری اسلامی و کمونیست زدایی آن کاملاً با کمونیست زدایی جریان مسلط بر جهان منطبق شد و پس از شکست کامل سوسیالیسم قرن بیستم در میان نیروهای آلترناتیو و چپ ایرانی هم رواج پیدا کرد و خشم رفیق ابراهیم و دفاع او از مائو بر بستر مبارزه با چنین جریانی قابل بررسی و آموختن است

یادش سرخ و راهش پر رهرو  
شهاب سیروان

یاد رفیق علی صادقی گرامی باد  
توسط

۲. مارس ۲۰۱۹ • PEYWAND ۱۹۱۷Q

با اندوه فراوان از درگذشت رفیق مهربان علی صادقی اطلاع یافتیم. رفیق صادقی زندگانی خود را از بدو نوجوانی تا پایان عمر در خدمت آرمان های کمونیستی بکار انداخت و در این راهگذار جدیت و پشتکار خستگی ناپذیری نشان داد و نمونه بسیار خوبی بود. یادش برای همیشه گرامی باد

ما رفقای «پیوند در خدمت وحدت کمونیست های ایران» سال های فراوانی با این رفیق گرامی سروکار داشتیم. بدبختانه کوشش های دوجانبه در جهت پایان پراکندگی نیروها و سازمان های کمونیستی، به نتایج مطلوب نرسید. پراکندگی هنوز باقیست و پیروزی بر آن گریه بسی دشوار - ناگزیر و حتمی است. جدیت و تلاش رفیق صادقی پیوسته مورد احترام ما و بزرگداشت او است. نبود او کمبود بزرگی باقی خواهد گذاشت امیدواریم آرمان های کمونیستی پا برجا و زنده بماند و به هدف حتمی و شایسته خود دست یابد

فقدان این رفیق عزیز را به خانواده اش، به حزب رنجبران و همه دوستان و بازماندگان تسلیت

می کرد. هرچند خود او در شرح صورت بندی و محتوای چنین حزبی و این حلقه اساسی برای انقلاب نا روشن بود و حداقل اینکه نتوانست امکانی برای نزدیکی نیروهای دیگر فراهم سازد، اما تاکیدش بر این ضرورت، اهمیت فراوانی داشت. اهمیت اصلی آن در برابر رویکرد نیروهای ضد حزب یا در تقابل با نیروهایی بود که حزب ناکارآمدشان را محمل تمام پاسخ های جنبش می دانستند. در واقع تاکید رفیق ابراهیم با تجربه ای که از دوران پرولتاریای در قدرت، درس های مثبت و منفی احزاب کمونیست که قدرت دولتی را در دست داشتند، شکست سوسیالیسم در شوروی و چین و نهایتاً درس هایی که از شکست انقلاب ایران داشت، انعطافی بود که کمونیست ها برای درک آنچه در تاریخ شان گذشته و باید برای بازسازی آینده از آن بهره بگیرند را نمایندگی می کرد. پایداری رفیق ابراهیم به تاکید بر ساختن یک حزب کمونیست جدید محدود نبود، بلکه به ضرورت تداوم و گسست اشاره داشت و به شدت با انحلال طلبی رایج در میان نیروهای انقلابی مخالفت و مبارزه می کرد. رفیق ابراهیم ضمن نقد آنچه در تجربه انقلابات پرولتری قرن بیستم گذشته بود، به اتکا بر دستاوردهای فناپذیر پرولتاریا تاکید فراوان داشت و به نیروهایی که بهر شکلی دستاوردهای پرولتاریا را همراه با انحرافات آن بدور می ریختند، بقولی بچه را با آب تشت دور می ریختند، برخورد می کرد. شاید این حقیقت جویی و رویکرد صحیح به تاریخ و سیاست از تجربه این رفیق در جمعبندی از انحرافات تشکیلات خودش بعد از شکست انقلاب ایران و نقدهایی که به خط انحرافی خودشان وارد کردند برخاسته بود. بیاد دارم که در جلسه ای، رفیق ابراهیم پشت تریبون در حال سخنرانی بود و صحبت هایش عمدتاً تکرار مواضع کلی و همیشگی او یعنی: ساختن یک حزب کمونیست جدید که حتماً باید از اتحاد نیروهای انقلابی موجود حاصل شود! صحبت او طولانی و کمی از حوصله جمع خارج شد. رفیقی از یکی از جریان های سیاسی به حالت شوخی و برای زدودن کسالت جمع و البته کنایه وار به رفیق ابراهیم صحبتی راجع به مائو تسه دون کرد که برخی از حضار را به خنده واداشت. رفیق ابراهیم در حال بازگشت به جای خود کمی عصبی به نظر می رسید، وقتی بر جای خود نشست طاقت نیآورده و با عصبانیت صحبت سخنران بعدی را قطع کرد و با خشم به آن رفیقی که شوخی کرده بود چنین برخورد کرد که: تو حتی به اندازه ذره ای هم به گرد پای مائو نمی رسی که اسم او را می



می‌گوییم

«پیوند در خدمت وحدت کمونیست‌های ایران»  
دوازدهم اسفندماه ۱۳۹۷ برابر با دوم مارس  
۲۰۱۹

علی صادقی مشهور به کاک ابراهیم یکی از این انسان‌ها بود که چند روز پیش پس از عمری تلاش برای ساختن جامعه‌ی بی‌که در آن زحمت‌کشان و کارگران استثمار‌نشوند کوله‌بار زمین گذاشت و آسوده‌گی جاودان پیشه کرد روز یک‌شنبه (پس فردا) ساعت ۲ تا ۵ عصر مراسم یادبودی برای او در مرکز اجتماعات تورن‌هیل برگزار می‌شود.

ضمن تسلیت به یار دیرینه‌اش محسن رضوانی و سایر رفقا و دوستان و خانواده‌ی گرامی‌اش با شرکت در این مراسم قدردان عمری مبارزه و فداکاری باشیم.

**THORNHILL COMMUNITY CENTRE**  
7755 BAYVIEW AVENUE  
THORNHILL, ONTARIO  
L2T 4P1  
SUNDAY 31 March 2019

### Bijan Pooya

علیرغم اشتباهاتی جدی که داشته، متفکری مارکسیست لنینیست، مومن به پیمودن راه کمونیستی خود، و محکم و استوار در مبارزه... طبقاتی... یادش گرامی و راهش پر رهرو باد

### Amir Abbass Azarmvand

یادش گرامی  
اولین بار نام او را در کتابی از مهدی خان بابا تهرانی خواندم. چقدر نسبت به او برخورد زشتی داشت چون پای اصولش مانده بود مسخره می‌شد ولی او که از مسکو تا چین را با یک هواپیما رفت و بعد سوسیال دموکراسی غربی و مجاهد را این همان کرد، جایی برای ادامه حیاتش نیافت جز سنگر اصلاح طلبان حال آنکه صادقی هر چه بود مد زمانه او را به رقص و گردش در نیاورد

هلمت احمدیان  
متأسف شدم و از صمیم قلب جانباختن کاک ابراهیم از چهره‌های سرشناس جنبش کمونیستی را به هم‌زمان و خانواده‌اش تسلیت می‌گوییم

### Abbas Mansouran

یاد رفیق علی صادقی گرامی باد. با هم قرار داشتیم گفتگوی پیرامون کتاب ارزنده و تازه ترجمه ایشان که هدیه داده بود داشته باشیم. او همیشه زنده در رزم و سنگرهای مبارزه طبقاتی

### Hassan Hessam

یاد عزیز رفیق علی صادقی «کاک ابراهیم» همواره سبز و پایدار است. کمونیست سخت کوشی که در تمامی عمرش برای رهایی، آزادی و برابری انسان، نیروی کار و زحمت، مبارزه کرد. با هم بر سر مواردی توافق نداشتیم اما به احترام زندگی سرشار از مبارزه و فداکاری هایش به پا می‌ایستم و کلاه از سر بر میدارم

### Farhad Shabani

خبر غم‌انگیزی بود. یادش گرامی. کاک ابراهیم در باور به اعتقاداتش پایدار و ثابت قدم بود. یادش گرامی  
سیاوش مدرسی  
مستقل از هر اختلاف نظری که با او داشتم همواره صمیمیت، صداقت، پایداری و مهربانی‌اش را ستایش کرده و می‌کنم  
از صمیم قلب به خانواده و یارانش تسلیت می‌گوییم

### Alireza Saghafykhorsany

با علی صادقی سالهای ۵۵ و ۵۶ در زندان اوین بودم. گاه ساعتها با هم قدم می‌زدیم و از نظراتمان می‌گفتم. او به شدت شکنجه شده بود و زخم‌های باز جوئی بر بدنش و کف پاهایش. او همانگونه می‌ریست که فکر می‌کرد. در باز جوئی‌ها از اهدافش و از سازمان انقلابی که به آن تعلق داشت دفاع کرده بود و این امر با عث عصبانیت بیشتر بازجو‌ها شده بود. تحصیل کرده رشته فیزیک بود و قطعاً اگر می‌خواست به زندگی بپردازد می‌توانست کرسی‌ای در دانشگاه داشته باشد و زندگی خوب. اما او به مردم عشق می‌ورزید و به آنچه می‌گفت اعتقاد داشت. یادش گرامی باد

### Abe Malek

زنده یاد رفیق کاک ابراهیم انسان بزرگی بود، او یک کمونیست راستین بود، هیچ‌گاه دروغ نمی‌گفت، حرف و عمل او یکی بود، از منتها درجه تواضع و فروتنی برخوردار بود و در سخت‌ترین شرایط زندگی و سرخوردگی دیگران میدان مبارزه را ترک نکرد. شیوه تفکر و زندگی او الهام بخش بسیاری از مبارزین راه آزادی است. یادش گرامی باد. این رفیق بزرگ در عین حال اینکه یکی از خدمت‌گذاران جنبش کمونیستی ایران در پنجاه سال گذشته بود، یک آموزگار برجسته زحمتکشان نیز بود، یادش گرامی باد

### Mostafa Azizi 2019/03/30

انسان‌هایی هستند که تمام زندگی‌شان را وقف انسان‌های دیگر می‌کنند. هیچ‌کس بدون اشتباه نیست اما نیت و انگیزه‌ی درونی آدم‌ها اهمیت بسیار زیادی دارد

در سوگ رفیق علی صادقی  
خبر ناگوار بود کاک ابراهیم از میان ما رفت. همین هفته‌های پیش بود که به گفتگو نشستیم بودیم و مثل همیشه جدال بر سر ایجاد حزب کمونیست بود و اکنون دیگر فرصت دوباره‌ای برای چالش با او وجود نداشت  
نوجوانی بیش نبود که علیه کودتای بیست و هشتم مرداد به خیابان آمده بود. کودتا به ثمر نشت. کودتا چپان به شکار نشستند و او لاجرم به خارج می‌آید. بعدها در تبعید یک لحظه آرامش نداشت. از آنانی بود که به نقد رادیکال از حزب توده پرداخته و در تقابل با فرمیسم و روزیونیسم حاکم بر آن، قهرانقلابی را به میان کشیده و همراه دیگرانی "سازمان انقلابی" را پایه‌گذاری می‌کند. جدائی از سرمایه داری دولتی در بلوک شرق روند غالب است و او یکی از آنهاست. انقلاب در چین و کوبا پیروز شده است. و جدال بر سر راه چین و کوبا در میان چپ جریان دارد. او عازم آنجا میشود تا تجارب جدیدی کسب کند و از آنانی است که می‌گویند باید به پای ایجاد حزب کمونیست رفت. و اینهمان تلاشی است که او تا لحظه وداعش با ما انجام میدهد

مادیت بخشیدن به این تلاش او را مخفیانه به ایران میکشاند و دریغا که در لحظه ورود دستگیر میشود ولی دژخیمان رژیم ستم شاهی نمی‌توانند او را بشکنند شکنجه و شلاق خلی در عزم او بوجود نیاروند و پس آنگاه در هجوم مردم به زندانها او نیز رها میگردد. با ایجاد حزب رنجبران در رأس آن قرار میگيرد. بعدها در کردستان در جمع‌بندی از این دوره، حاکمیت خط روزیونیست راست در حزب را به نقد کشیده و تلاشی بیش از سه دهه را برای وحدت کمونیستها به پیش میبرد. و شوربختانه اینکه به این آرزویش که بیش از شش دهه برایش نبرد کرده بود، دست نمی‌یابد و این بدون تردید بزرگترین مشغله فکریش بود. و اکنون در لحظه‌ای که جامعه در غلیان و جوشش است و نیاز جامعه به کمونیستهای ثابت قدم فریاد زده میشود، اما او در میان ما نیست و این فقدان دردی بزرگ است که آزارمان میدهد. بدرود کاک

ابراهیم

زمان مسعودی، نصرت تیمورزاده

دهم اسفند یکهزار و سیصد و نود و هفت

زحمتکشان می سوخت و حس عدالت خواهی اش در بیشتر مواقع ضد موجودیت اش عمل می کرد. احساس همدردی با آنها که بیشترین درد را در جامعه متحمل اند ، زندگی را برایش دردناک کرده بود .

پایداری و استقامت بر سر آنچه اصولش میدانست ، و نرمش و آموزش از آنچه تغییر پذیر بود و فراگیرنده ، از صفات برجسته دیگر او بودند.

علی سخت کار و متحمل بود و حرف و عمل اش در هماهنگی با هم بودند . پدیده ای که به سادگی می تواند به عکس خود تبدیل گردد بخصوص در شرایطی که هدف بزرگتر از آن باشد که در ذهن بگنجد .

تیز هوشی و زکاوت علی تنها حربه اش برای درک پدیده ها نبود بلکه با احساس قوی که داشت در بسیاری از مواقع وقوع جریانات را حدت می زد یا حس می کرد .

علیرغم آنکه علی زندگی اش را از ابتدای جوانی در راه هدف های سیاسی اش گذاشته بود ولی در زندگی مشترک ما همیشه یار و یاور مهربان و از خودگذشته بود؛ دوستی با وفا و مشوق ، و پدیری مسئول ، دلسوز و مهربان بوده و همچون تکیه گاه استواری در فراز و نشیب های زندگی به ما امکان داد تا دوباره برخیزیم و به راه ادامه دهیم

مرمرصادقی - میترا صادقی.



کارگری ایران ، در این اوضاع در حال تکامل انقلابی در ایران وظیفه مرکزی حزب را فراموش نکنید : تمرکز قدرت حزب برای یکی شدن و وحدت کمونیستها در پیوند با جنبش کارگری و از این طریق پاسخ به ضرورت تاریخی و مبرم انقلاب سوسیالیستی در پیش رو ایجاد حزب کمونیست متحد و پای در عمل ایران است.

یادش گرامی باد و راهش پر ره رو  
محسن رضوانی



### پیام همسر و دختر رفیق علی صادقی

با تشکر از برگزارکنندگان مراسم یاد بود (حزب رنجبران) که به مناسبت درگذشت یار ارزشمند مان علی عزیز ترتیب داده شده ، ما ( خانواده علی ) ، متأسف هستیم که در آن شرکت نداریم تا حضورا از این جمع دوستان تشکر کنیم ، ولی حقیقت اینست که می خواستیم خاطره آخرین باری که همراه با علی و به مناسبت سالروز تولدش در جمع دوستان او بودیم را ، بعنوان آخرین خاطره از این جمع به یاد بسپاریم .

با افتخار و منتهای تواضع از اینکه این امکان را داشتیم که سال های سال در کنار انسانی پاک ، شریف ، خالص و صادق و شخصیت والایی مثل علی زندگی کنم ، وظیفه خود میدانم که خصوصیات را که در زندگی عادی مان شاهد بودم بیان کنم تا در یادبودش تصویر همه جانبه تری از او داشته باشیم.

البته ساده نیست که راجع به این مطلب بنویسم ، و در عین حال خلاصه بنویسم و دچار عام گویی نشوم ولی ، دوستان و حتی غیر دوستانی که با او در تماس بوده اند حتما نمونه های از آنچه من ادعا می کنم در خاطرشان دارند .

در شعری از مولانا ، علی را به وضوح می بینم ؛

«غلام همت آنم که زیر چرخ کبود  
ز هرچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است»  
علی انسانی وارسته و بی نیاز بود و رزق و برق دنیا هیچوقت او را از راهی که درپیش گرفته بود فریب نداد و باز نداشت

قلب علی از شعله های عشق به

امروز سی و یکم مارس ۲۰۱۹ در تورنتو گرد آمده ایم تا یاد رفیق گرامی خود کاک ابراهیم را گرامی بداریم . بسیار با ارزش است این نشست که زن و مرد از گرایش های گوناگون چپ و کمونیستی شرکت دارند و آنهایی هم نتوانستند حضور یابند ، از راه دور پیام های همبستگی و همدردی خود را ارسال داشتند

دکتر علی صادقی از نسل های قبل از کودتای بیست و هشت مرداد سی دو است که از همان نو جوانی به سازمان جوانان دمکرات حزب توده پیوست ، سپس به حزب توده ایران و در اوایل دهه ی چهل همراه دیگر اعضای حزب توده با بریدن از رهبری حزب و نقد مشی رفرمیستی وی عملی آن در ایجاد سازمان انقلابی حزب توده شرکت کرد. او به نمایندگی از واحد تشکیلات سازمان انقلابی فرانسه در کنفرانس اول سازمان که در تیرانا پایتخت آلبانی تشکیل شد شرکت کرد. این آغازی شد برای شش دهه مبارزه ی پیوسته مخفی و علنی ، در شهر و روستا ، در زندان زیر شکنجه ، مسالمت آمیز و با قلم و قهر آمیز و با تفنگ برای سازماندهی حزب انقلابی پیشرو کارگری مسلح به کمونیسم علمی ، در پیوند با جنبش های کارگری ، حزبی که بتواند خط مشی خود را در تلفیق اصول عام خود با شرایط مشخص ایران پایه ریزد و صحت و سقم آنرا در عمل بی آزمایش رفیق ابراهیم کادری پیشرو در این زمینه بود و در اندیشه و عمل انقلابی برای پیشبرد این وظیفه ضروری تاریخی شرکت فعال تمام عمری داشت.

یکی از برجسته ترین خدمات او در هنگامی جنبش چپ و کمونیستی ایران دچار انحلال طلبی و فرقه گرایی پس از سرکوب دهه ی شصت شد ، او همچنان استوار به دفاع از دستاورد های جنبش پر افتخار کارگری ایران و جهان بر خاست و با قلم تند و تیز خود به افشای رویزیونیسم و رفرمیسم که کل کمونیسم را نفی می کردند پرداخت.

او هنگامی که ما را ترک کرد ، در آخرین لحظات زندگی سفارش می کرد رفقا در این اوضاع خوب جنبش





## گزارشی از مراسم یادمان

در محیطی بس رفیقانه رفقای کاک ابراهیم از کردار و رفتار او سخن گفتند و روی بیش از شصت سال مبارزه ی ائیدولوژیکی و تئوریک برای پاک نگهداشتن کمونیسم علمی از انحرافات رویونیستی با هدف ایجاد یک حزب انقلابی پیشرو پرولتری انگشت گذاشتند. وظیفه ای که همچنان ابراهیم در آخرین دقایق زندگی بدان وفادار بود در این نشست ویدئویی به مدت ۴۳ دقیقه از مصاحبه های رفیق ابراهیم پخش شد که نقطه نظر های او را در بارهی حزب سازی ، نقش اصول هدایت کننده حزب ، اهمیت طبقه کارگر و ضرورت پیوند کمونیست ها با مبارزات جاری کارگری نشان می داد

یادبود رفیق ابراهیم اهمیتش در آن بود که شرکت کنندگان از اکثر گرایش های سیاسی بودند و به گرمی از او سخن گفتند



براساس فراخوان حزب و تلاش رفقای حزب در هامبورگ مراسم یادبود رفیق علی صادقی در ۱۷ مارچ ۲۰۱۹ هامبورگ برگزار شد. مراسم با خوش آمد گویی توسط رفیق مجری آغاز و با یک دقیقه سکوت به یاد رفیق علی ادامه یافت سپس با سرود انترناسیونال توسط رفقای سکوت شکسته شد. بخش بعدی پیام ایکور توسط رفیق یوآخیم خوانده شد، سخنران بعدی رفیق طاهر از طرف حزب مطالبی را در توضیح زندگی سیاسی رفیق از گذشته تا حال در زمینه های مختلف اعم از کارهای تئوریک ، مقالات ، نظرات ، کتابهای ترجمه شده و نوشته شده توسط او و نیز اشاراتی داشت به زندگی مبارزاتی او در رودر رویی با سرمایه داری و به دفاع از کارگران و زحمتکشان و نیز تشکیلات کمونیستی. رفیق طاهر به تاثیرات نظرات او در کمک به جمع بندی جنبش کمونیستی پرداخت و برخی از نظرات او را در زمینه اصول راهنمای حزب ، حزب سازی ، پیوند جنبش کارگری کمونیستی و ایجاد حزب واحد کمونیست بیان کرد. در قسمت دوم برنامه رفیق باقر مرتضوی صحبت هایی را در رابطه با پیگیری و سرسختی رفیق علی در امر پیشرو بودن در مبارزه و اعتقاد عمیق وی به کمونیسم و تشکیلات بیان کرد ، رفیق سیامک موید زاده در پیش صحبت هایش راجع دوگانگی برخورد به افراد قبل و بعد از مرگشان صحبت کرد و یکی از شعرهایی را که رفیق علی همیشه می خواند قرائت کرد. در بین برنامه ها پیام خانواده رفیق علی و نیز رفقای ایران قرائت شد. پایان بخش برنامه میکروفون آزاد بود که برخی از رفقا و حاضرین صحبت هایی را در وصف رفیق علی بیان کردند و برنامه با تشکر مجدد از دوستان و رفقای حاضر به پایان رسید

گزارش مراسم یادمان رفیق علی صادقی در تورونتو کانادا

در بعداز ظهر یکشنبه سی و یکم مارس دو هزار و نوزده رفقا و دوستانی از تورونتو ، مانتریال و واشنگتن گرد آمدند تا در نشستی که از طرف حزب و با هماهنگی تشکیلات آمریکای شمالی حزب رنجبران ایران به یاد رفیق علی صادقی برگزار شد شرکت کنند

Firoz Taheri yade rafigh gerami kak ebrahim (doktor sadeghi) gerami bad.kak ebrahim komunisti sadegh va mosammam va bavarmam bood.doktor ebrahim ensani raof va mehreban va khoshroo va yariresan bood va dost Dasht komunistha mibayest hambasteh bashand va tarafdare jobheye moshtarake komunistha bar zedde regime sarmayedariye eslami bood.dokter ebrahim dar kurdestane Iraq be kheili az adamhaye monfaredde chap komak kard ta anha ra be kharej az keshvat beferestad ya hezbash panahgahe dostane chape monfared bood.yadash gerami va afsos ke dar miane ma nist.ghame akhar baraye khanevadehash va dostanash .



با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخوانید:

آدرس پُستی حزب رنجبران ایران:  
 Ranjbar  
 P.O.Box 5910  
 Washington DC  
 20016  
 U.S.A

**رنجبر**

ارگان مرکزی حزب رنجبران ایران

شماره ۱۶ صفحه ۱۶  
 شماره ۳۸ شماره ۱۶  
 شماره ۳۸ شماره ۱۶  
 شماره ۳۸ شماره ۱۶

ادرس پُستی حزب رنجبران ایران:  
 Ranjbar  
 P.O.Box 5910  
 Washington DC  
 20016  
 U.S.A

WWW.ranjbaran.org

ارس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران  
 ranjbaran.org@gmail.com

آدرس عُرْفَه حزب در اینترنت:  
 WWW.ranjbaran.org

ارس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران  
 ranjbaran.org@gmail.com

آدرس عُرْفَه حزب در اینترنت:  
 WWW.ranjbaran.org